

چگونگی برساخت «واقعیت ایران» در تمایزسازی گفتمان صهیونیسم

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۲/۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۲/۲۲

شجاع احمدوند*

وحیده احمدی**

چکیده

برساخت و بازتولید هویت یهودیان مبتنی بر اهداف گفتمان صهیونیسم که در حال حاضر اسرائیل بر اساس آنها اهداف و منافع خود را در داخل و در سطح بین‌المللی به پیش می‌برد، یکی از فرایندهای مهم در گفتمان صهیونیسم بوده است. موشکافی و تبیین ابعاد مختلف این سازوکار، شفافیت لایه‌های پنهان در متن رفتارها و رویکردهای مرتبط با صهیونیسم، هم در اسرائیل و هم در خارج از مرزهای آن را به دنبال خواهد داشت. این مقاله با توجه به اهمیت چگونگی برساخت هویت یهودیان همسو با اهداف گفتمان صهیونیسم، تلاش کرده به این سؤال پاسخ دهد که گفتمان صهیونیسم چگونه هویت یهودیان را در قالب اهداف مورد نظر خود بازتولید می‌کند؟ مقاله حاضر نشان خواهد داد که گفتمان صهیونیسم هویت یهودیان را از طریق برساخت «تمایز»، با تأکید بر آنتی سمیتیسم، سازماندهی یهودیان در تشکل‌های صهیونیستی «تمایزساز» و اتخاذ مواضع در قبال «دگر» هویتی، هم‌سو با اهداف این گفتمان بازتولید می‌کند.

کلیدواژه‌ها: هویت، گفتمان صهیونیسم، تمایز، آنتی سمیتیسم، ایران، سازمان‌های صهیونیستی

shojaahmadvand@gmail.com

ahmadi.9.1363@gmail.com

* دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی

** دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی

فصلنامه مطالعات راهبردی • سال هجدهم • شماره اول • بهار ۱۳۹۴ • شماره مسلسل ۶۷

مقدمه

هویت‌سازی در میان یهودیان به گونه‌ای که خود را به رغم تفاوت در زبان، زادگاه، نژاد، رویکرد به مذهب و... در قالب یک ملت، بدانند، مهم‌ترین هدف گفتمان صهیونیسم بوده است. این امر مهم‌ترین گام برای فرایند ملت‌سازی و بالطبع ایجاد رضایت و اقناع یهودیان برای مهاجرت به فلسطین، به شمار می‌رفته است. با توجه به اینکه یهودیان قبل از تأسیس اسرائیل جزئی از ملت‌های دیگر بودند و هویت آنها نیز در همین چارچوب شکل گرفته بود، ایجاد هویت مشترک جدیدی که واسطه پیوند آنها با گفتمان صهیونیسم باشد، بستر اساسی در راستای تأسیس اسرائیل بوده است. هر تزل یکی از بنیان مهم صهیونیسم، در تأیید اهمیت رابطه هویت یهودیان با تشکیل ملت در فلسطین، مسئله پیش روی یهود را به مثابه امر ملی می‌نگرد و می‌نویسد: «مسئله یهود برای من نه مسئله اجتماعی و نه مسئله مذهبی است... این یک مسئله ملی است.» (گارودی، ۱۳۷۵: ۲۳) از این رو، صهیونیسم زمانی توانست یهودیان اشکنازی، سفاردی، میزراهی و... را از کشورها و ملت‌های اولیه خود جدا کرده و به مهاجرت به فلسطین، مجاب کند که موفق به القای هویتی جدید در میان یهودیان شد. بر اساس این هویت جدید، یهودیان در هر کجای جهان که زندگی می‌کردند، بخشی از مردم واحدی قلمداد می‌شدند که مجموعه‌ای از ویژگی‌ها و خصایص مشترک، آنها را به رغم فاصله جغرافیایی یا موقعیت و شرایط طبقاتی و... به یکدیگر پیوند می‌داد. آموس آز، روشنفکر و نویسنده اسرائیلی، تلاش صهیونیسم برای برساخت هویت مشترک در میان یهودیان چندپاره و متفاوت از یکدیگر را در جهان، به خوبی مورد تأکید قرار می‌دهد. وی می‌نویسد: «من بارها گفته‌ام که صهیونیسم، نام اول ما نیست، بلکه نام خانوادگی ماست، خانواده‌ای که از هم جدا شده‌اند و بر روی «طرح جامع» خود برای آینده اختلاف دارند. بر روی اینکه ما چگونه اینجا زندگی کنیم؟ آیا می‌توانیم پادشاهی داوود و سلیمان را اینجا بسازیم؟ آیا می‌توانیم بهشت مارکسیست را اینجا به وجود آوریم؟ جامعه غربی را باید بسازیم یا دولت رفاه دموکراتیک را؟ و...»

با وجود این، گفتمان صهیونیسم به رغم تفاوت‌های هویتی یهودیان، توانست هویت شناختاری مشترک را ایجاد کرده و بر اساس آن، نه تنها یهودیان را برای تأسیس اسرائیل از سایر نقاط جهان به فلسطین، مهاجرت داد. بلکه پس از تأسیس نیز این هویت را در راستای تثبیت این ساختار سیاسی،

به کار گرفت. حال مسئله اینجاست که چگونه صهیونیسم توانست هویت یهودیان را در قالب تأسیس اسرائیل از یک سو و نیز استمرار و حفظ آن ایجاد کند؟ آیا یهودیان حامی گفتمان صهیونیسم به واسطه بسترها و امکانات اقتصادی این گفتمان، خود را در قالب یک ملت تعریف می‌کنند؟ به عبارت دیگر، چگونه مقبولیت گفتمان صهیونیسم در هویت یهودیانی که در میان سایر ملت‌ها پراکنده بوده و تا قبل از تأسیس اسرائیل، بخشی از ملت مبدأ خود به شمار می‌آمدند و زیست جهان آنها در چارچوب تعلقات و وابستگی‌های ملت بزرگتر تعریف می‌شده، به وقوع پیوسته است؟ با توجه به این مسئله، این مقاله در نظر دارد به این سؤال پاسخ دهد که گفتمان صهیونیسم چگونه هویت یهودیان را در قالب اهداف مورد نظر خود بازتولید می‌کند؟

این مقاله نشان خواهد داد گفتمان صهیونیسم هویت یهودیان را با برساخت «تمایز»، از طرق تأکید بر آنتی سمیتیسم، سازمان‌دهی یهودیان در تشکل‌های صهیونیستی «تمایزساز» و اتخاذ موضع در قبال «دگر» هویتی، هم‌سو با اهداف این گفتمان بازتولید می‌کند.

برای پرداختن به این مقصود، مقاله حاضر از دو بخش تشکیل شده است. در بخش (الف)، جایگاه تمایز در گفتمان صهیونیسم و تأثیر آن در هویت یهودیان مورد بررسی قرار خواهد گرفت و در بخش (ب)، با ارجاع به متونی که گفتمان صهیونیسم را در آمریکا و اروپا استمرار می‌بخشند، به چگونگی برساخت واقعیت ایران در چارچوب گفتمان صهیونیسم پرداخته می‌شود. مقاله حاضر از تحلیل انتقادی گفتمان به عنوان چارچوب نظری بهره گرفته و متون مورد نظر را در قالب این روش، تفسیر و تبیین می‌نماید.

الف. چارچوب نظری

اگرچه در گفتمان‌شناسی سنتی بیشتر به توصیف و تفسیر کلام در بافت مشخص که گفتگو در آن چارچوب واقع شده و اصطلاحاً بافت موقعیتی یا قرینه‌حالیه^۱ نامیده می‌شود، توجه کرده و با توجه به این بستر، در حد ممکن معنا و مفهوم کلام به دست می‌آید، اما این بافت می‌تواند بسیار گسترده‌تر از بستری باشد که بیان و عمل در آن اتفاق افتاده است. فهم دقیق کلام

می‌تواند به تاریخ زندگی فردی و جمعی، آرزوها و امیال فرد، جهان‌بینی طرف‌های گفتگو، نهاد و سازمانی که افراد به آن تعلق دارند و ساخت و پرداخت جامعه‌ای که افراد در آن زندگی می‌کنند، بستگی داشته باشد. توجه به بافت فرهنگی^۱ به معنای قدم‌نهادن در عرصه گفتمان انتقادی^۲ است (پارمحمدی، ۱۳۸۳: ۴). ون دایک می‌نویسد: «ما به سادگی می‌توانیم از عقل سلیم تبعیت کرده و فرض کنیم که گفتمان، شکلی از تعامل و کنش است و در نتیجه گفتمان را امری اجتماعی اعلام کنیم، اما میان گفتمان و جامعه روابط بسیار پیچیده‌تری وجود دارد که به خودی خود محتاج تحلیل نظری هستند (ون دایک، ۱۳۸۲: ۸۸).

تحلیل گفتمان انتقادی متضمن نظریه‌ای درباره قدرت است که به نحوی در دیدگاه سه‌بعدی قدرت استیون لوکس، بیان شده است. از نظر لوکس در قدرت تک‌بعدی، تصمیم‌گیرنده نقش محوری را ایفا می‌کند، قدرت دوبعدی ارزش‌ها و رفتارهایی را نهادینه می‌کند که منفعت گروه یا فرد را پوشش می‌دهد، قدرت سه‌بعدی بین مردم رضایت به وجود می‌آورد و این امر را از طریق شکل‌دادن به تفکرات و سلاقی و گرایش‌ات آنها انجام می‌دهد (حسینی‌فر، ۱۳۹۲: ۴۴). لوکس در مورد بعد سوم قدرت، می‌نویسد: «آیا این حد بالایی قدرت و مودیانه‌ترین نحوه اعمال آن نیست که با شکل‌دادن به درک مفهومی، شناخت و ترجیحات مردم، در حد ممکن مانع نارضایتی مردم شویم، به گونه‌ای که پذیرای نقش خود در نظم موجود شوند؟» (لوکس، ۱۳۷۵: ۳۳) تحلیل گفتمان انتقادی، علاوه بر هم‌نوابی با نظریه قدرت لوکس، متضمن وجه دیگری از نظریه قدرت نیز هست. بر این مبنا زبان، بازنمایی ذهنی هر رخداد ارتباطی را کنترل می‌کند. به همین دلیل، ساختار و متن، قادر به کنترل کردن ذهن است. از همین روست که تحلیل‌گرانی نظیر ون دایک بر این باورند که جامعه و گفتمان از طریق ذهن به هم مرتبط می‌شوند (فاضلی، ۱۳۸۳: ۹۳). گفتمان انتقادی به مثابه نظریه، ظرفیت‌های قابل توجهی برای تبیین هر پدیدار را مهیا می‌کند، اما مهم‌ترین وجه کاربرد گفتمان انتقادی برای تبیین متون، روش‌مندشدن این نظریه است. اگرچه گفتمان انتقادی به مثابه روش با نورمن فرکلاف^۳ پیوند خورده، اما مقاله حاضر تلاش دارد روش مورد نظر جیمز پل گی را به عنوان

1. context of culture
2. critical discourse
3. Norman Fairclough

یکی از روش‌های مهم گفتمان انتقادی که دارای قابلیت بسیاری در تفسیر و تبیین متون است و در ادبیات علمی کشور، کمتر به آن پرداخته شده، به کار گیرد.

جیمز پل گی، سؤال از متن را راه‌گشای گفتمان انتقادی به مثابه روش می‌داند. از نظر گی، «گفتمان انتقادی بر موضوع زبان (و سیستم‌های نشانه‌شناختی مرتبط) که در شبکه‌ای از موقعیت‌ها بازتاب می‌یابد، تمرکز دارد. هر بخشی از زبان شفاهی یا نوشتاری، از مجموعه‌ای از نشانه‌های دستوری تشکیل شده که در موقعیت‌های مختلف اعم از مذاکره و تعامل، برای ساخت ۶ چیز به شنوندگان و خوانندگان کمک می‌کند. این ۶ چیز در ارتباط با هم و به صورت پیوسته، بازنمایی‌ها را به معنای دوباره ارائه‌کردن یک چیز، ایجاد می‌کنند.» گی می‌نویسد: «من می‌خواهم بر روی این موضوع تأکید کنم که نطق که از نشانه‌ها ساخته شده است، چگونه میان زمینه و زبان (موقعیت) در حرکت است، نه آنکه این نشانه‌ها را ثابت و فارغ از معانی موقعیت‌مند بدانم» (Gee, 1999: 85).

از نظر پل گی، تحلیل‌گر باید به شش وظیفه‌ای که هر کاربر زبان انجام می‌دهد، در تحلیل انتقادی گفتمان، توجه داشته باشد. گی در فصول بعد با ارجاع به ۶ سطح واقعیت ساخته‌شده، می‌نویسد: «شش امر ساخته‌شده، یعنی همان سطوح واقعیتی که ما از زبان برای ساختن آنها استفاده می‌کنیم و از طریق آنها موقعیت زمانی و مکانی را به شیوه خاص می‌سازیم، عبارتند از:

- نشانه‌سازی؛ یعنی به‌کارگیری مجموعه‌ای از علائم یا سرنخ‌ها، یعنی استفاده از علائم یا سرنخ‌ها برای برساختن لایه‌های معنایی نهفته در سیستم‌های نشانه‌شناختی (ارتباطی)، سیستم‌های معرفتی و شیوه‌های فهمیدن در موقعیت‌های مختلف (Gee, 1999: 85).

- دنیاسازی؛ یعنی استفاده از علائم یا سرنخ‌ها برای برساختن لایه‌های معنایی نهفته در موقعیت مکانی و زمانی خاص که «واقعیت» خوانده می‌شود. این موقعیت مکانی و زمانی به صورت‌های مختلف در نظر گرفته می‌شود؛ از جمله حاضر و غایب، ذهنی و عینی، واقعی و غیر واقعی، محتمل، ممکن و غیر ممکن (Gee, 1999: 85-86).

- فعالیت‌سازی؛ یعنی استفاده از علائم و سرنخ‌ها برای برساختن لایه‌های معنایی نهفته در یک فعالیت یا فعالیت‌های در حال جریان که از مجموعه‌ای از کنش‌های خاص تشکیل می‌شود.

- هویت‌سازی فرهنگی / اجتماعی و رابطه‌سازی؛ یعنی استفاده از علایم و سرنخ‌ها برای برساختن لایه‌های معنایی نهفته در ارتباط هویت‌ها و روابط با تعاملات، به واسطه نگرش‌ها و ارزش‌های ملازم آنها و شیوه‌های احساس، فهمیدن و باورکردن و نیز شیوه‌های عمل و تعامل.

- سیاست‌سازی؛ یعنی استفاده از علایم یا سرنخ‌ها برای برساختن ماهیت و مناسبت انواع کالاهای اجتماعی از قبیل منزلت و قدرت و هر چیز دیگری که در موقعیت مکانی و زمانی خاص، به مثابه کالای اجتماعی محسوب می‌شود (زیبایی، شوخ‌طبعی، حرف‌های دهان پرکن، دانش تخصصی، اتومبیل شیک و غیره) (Gee, 1999: 86).

- ارتباط‌سازی؛ یعنی استفاده از علایم و سرنخ‌ها برای فرضیه‌سازی در مورد نحوه ارتباط کلامی و غیر کلامی گذشته و آینده تعامل با لحظه حال و ارتباط آنها با یکدیگر، چراکه هر تعاملی همواره تا حدودی انسجام و پیوستگی دارد (Gee, 1999: 86). روش‌شناسی تحلیل گفتمان می‌تواند فعالیتی تفسیری برای پاسخ به این سؤالات و چگونگی انجام شش وظیفه در دل زبان و کاربست آن باشد (فاضلی، ۱۳۸۳: ۹۵).

برای آزمون فرضیه حاضر در چارچوب نظریه فوق، باید نشان داده شود که گفتمان صهیونیسم چگونه به بازتعریف «دگر» در مقابل یهودیان پرداخته و چگونه از این طریق «تمایز» را با غیر در هویت یهودیان بازتولید می‌کند. بر این مبنا، برساخت واقعیت ایران در گفتمان صهیونیسم با توجه به کاربست‌های زبانی پل‌گی، به عنوان نمونه مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

ب. «تمایز» کانون «هویت» یابی در گفتمان صهیونیسم

صهیونیسم، گفتمان ایدئولوژیکی است که از اواخر قرن نوزدهم با هدف استقرار یهودیان جهان در چارچوب دولت-ملت پدید آمد. این گفتمان بر این امر استوار است که «تمام یهودیان در هر کجا که زندگی می‌کنند، یک ملت به شمار می‌آیند» (Encyclopedia of Race And Racism, 2007: 240). تأکید صهیونیسم بر اینکه «مسئله یهودیت از راه همانندسازی حل‌شدنی نیست و یهودیان مقدم بر هر چیز، باید یک ملت شمرده شوند» (صانعی، ۱۳۹۰: ۱۳۲)، یکی از اصول مهمی بود که ساختار اصلی این گفتمان را حول «عدم همانندی» و «تمایز» یهودیان با «دگر»های مختلف شکل داد.

با توجه به اینکه یهودیان قبل از تأسیس اسرائیل جزئی از دیگر ملت‌ها بودند و خودفهمی آنها نیز در همین چارچوب شکل گرفته بود، ایجاد هویت و نیز تمایز و تعریف «دیگر»ی در میان یهودیان برای گفتمان صهیونیسم، از اهمیت بسیاری برخوردار بود؛ به ویژه آنکه گفتمان صهیونیسم «به منظور فراهم کردن توجیه اخلاقی برای حضور یهودیان در اسرائیل، نیازمند پاسخ‌گویی به این سؤال بود که چرا یهودیان باید از ملت‌های خود جدا شده و در اسرائیل زندگی کنند» (Weissbrod, 2002: 3). از این رو، هویت یهودیان باید به گونه‌ای برساخته می‌شد که بر مقوله «تمایز» و «عدم همانندی» آنها با دیگران مبتنی می‌بود و برساخت «دیگر» در این روند بخش حائز اهمیتی از ساخت و تثبیت گفتمان صهیونیسم را شامل می‌شد. در نتیجه، گفتمان صهیونیسم روایتی متفاوت با آنچه در میان یهودیان پیش از زمان شکل‌گیری صهیونیسم، حاکم بود را با محوریت فرایند تمایزسازی، دگرسازی و در نتیجه هویت‌یابی در قالب صهیونیسم در میان آنها، غالب کرد. نگاهی اجمالی به این روند، جایگاه مقوله «تمایز» و «عدم همانندی» و وجود «دیگر»ی را در قوام این گفتمان به روشنی بازتاب می‌دهد.

۱. جایگاه «تمایز»، «دیگر» و «هویت‌یابی» یهودیان خارج از گفتمان صهیونیسم

یهودیان غرب در قرن ۱۷ میلادی پس از ظهور دولت-ملت که تبعیت از دولت ملی را صرف نظر از گرایش‌های دینی و نژادی به ازای برابری حقوق شهروندی طلب می‌کرد، در برابر تناقض بین پذیرش حقوق شهروندی به عنوان اقلیت دینی و حفظ ملیت یهودی که وفاداری آنان به میهن محل سکونتشان را مورد تردید قرار می‌داد، قرار گرفتند و مجبور به انتخاب شدند. اولین پاسخ یهودیان به شرایط مدرنیته، ادغام در ملیت کشورهای محل سکونتشان بود، چون پس از انقلاب فرانسه در اکثر کشورهای اروپایی، دین به حوزه فردی و خصوصی مردم مربوط می‌شد (شیردل، ۱۳۸۵: ۱۴۵). از این رو، یهودیان اروپای غربی یا سکولاریسم را انتخاب کرده و به تدریج دین را از هویت جمعی خود کنار گذاشتند و یا «تحت تأثیر فرهنگ پروتستانی به تطبیق یهودیت با سبک زندگی مدرن پرداختند که از علایم آن تغییر زبان نماز و عبادت از عبری به زبان‌های بومی یهودیان هر کشور، افزودن ابزار و آلات موسیقی به مراسم عبادی، حضور توامان مردان و زنان در کنار هم در معابد و

طرز پوشش و آموزش مدرن بود. در واقع، اغلب پیروان این شاخه طبقه متوسط تحصیل کرده ساکن در کشورهایی با رژیم‌های لیبرال و حامیان ادغام در جوامع همین کشورها بودند» (شیردل، ۱۳۸۵: ۱۴۶). از این رو، پدیده ادغام، در میان یهودیان اشکنازی^۱ اروپای غربی، به عنوان گزینه برتر در اولویت قرار داشت. نتیجه این روند آن بود که سکولاریزاسیون، همسان‌شدن این دسته از یهودیان با محیط غیر یهودی را بیش از پیش افزایش داد. از این رو، برای اشکنازی‌های اروپای غربی، «تمایز» و طبقه‌بندی میان خود و دیگری نه تنها تعریف نشده بود، بلکه هر گونه زمینه‌ای که به «تمایز» آنان با غیر یهودیان منجر می‌شد، به تدریج حذف می‌شد. در واقع، این امر نه به صورت خودآگاه و برنامه‌ریزی شده، بلکه روندی بود که برای تشکیل دولت-ملت‌ها از قرن ۱۷ آغاز شده بود و همه جوامع دینی، قومی و نژادی را درمی‌نوردید، به ویژه آنکه روشنگری قرن ۱۹ نیز اجازه داده بود برای اولین بار یهودیان از گتوها^۲ی خود خارج شوند. بدین ترتیب، «مانند سایر جنبش‌های ملی‌گرایانه، ناسیونالیسم مدرن یهودیان نیز به وقوع پیوست و تلاش کرد از طریق دو نیرو، خود را از درون بافت سخت و سستی قرون وسطی خارج کند: نخست؛ احیای دینی از طریق تقوا و عرفان که تجدید نظر در احساسات فردی را می‌طلبید. دوم، تأکید مجدد بر فردیت در عقلانیت و روشنگری سکولار (Kohn, 1951: 54).

لیلی ویسبورگ، استاد دانشگاه تل‌آویو در کتاب «هویت اسرائیلی»، در مورد چگونگی مواجهه یهودیان اروپای غربی با هویت یهودی می‌نویسد: «یهودیان اروپای غربی، مسیره‌های مختلفی را در پیش گرفتند. برخی از آنها هویت مذهبی خود را سکولاریزه کرده و آن را به حوزه خصوصی خود منتقل کردند، ضمن اینکه آرزو می‌کردند جامعه غیر یهودی^۳ وفاداری قومیتی آنها را بپذیرد و یا آن

۱. اشکنازی برگرفته از نام «اشکناز»، اولین پسر نوح پیامبر است که گفته می‌شود در کتاب مقدس آمده است (Gmirkin, 2006: 148). اشکنازی‌ها به عنوان یکی از شاخه‌های قومی یهودی در امپراتوری روم در حدود هزاره اول، اقامت داشتند. زبان آنها ترکیبی از گویش‌های مختلف یدیش بود (Mosk, 2013: 143). جوامع اشکنازی در سراسر اروپای شرقی و مرکزی گسترده بود و از این رو، یهودیان آلمان، اروپای شرقی و شوروی را اشکنازی نامیدند (سروش‌نژاد، ۱۳۸۶: ۱۶۴).

۲. گتو به بخشی از یک شهر گفته می‌شود که یک اقلیت را در خود جای داده باشد. گتوهای یهودی محله‌های یهودی‌نشین در اروپا بودند که یهودیان به دلیل اعتقادات غیر مسیحی در آن زندگی می‌کردند. منابع یهودی ادعا دارند که یهودیان در این گتو تحت مقررات سخت‌گیرانه بوده و در پی فشار مقامات ناگزیر به زندگی در آنها بودند.

3. gentile

را نادیده بگیرد، زیرا در آن زمان پلورالیسم به عنوان ارزش، اعتبار نداشت.» «از طرف دیگر، در میان آنها گرایش دیگری نیز وجود داشت که مبتنی بر حفظ برخی تأثیرات هویت قومی به دور از هویت مذهبی بود. در واقع، در آن دوره بیشتر یهودیان هویت خود را از یهودیان ارتدوکس، از طریق انکار ارتباط تنگاتنگی که در یهودیت مابین قومیت و مذهب وجود داشت، جدا کرده بودند» (Weissbrod, 2002: 7). برخی از یهودیان در این دوره، جذب مسیحیت شده و در میان برخی دیگر به دلیل آموزش‌های عمومی، باورهای دینی یهود به صورت قابل ملاحظه‌ای کاسته شد (Zionism on the web, A History of Zionism). با وجود این، ویسپورد ادعا می‌کند که به رغم تعلق حقوق سیاسی به یهودیان ادغام‌شده، هویت آنها از سوی جامعه غیر یهودی معتبر شناخته نمی‌شد و در این شرایط نیز همچنان به عنوان یهودی از سوی دیگران قلمداد می‌شدند: «روندی که یهودیان منحل شده برای ادغام در جوامع غربی در پیش گرفته بودند، همواره یکسویه و یکجانبه باقی ماند، زیرا جامعه غیر یهودی متخاصم، هرگز یهودیان را صرف نظر از نقل و انتقالات فرهنگی ناگزیر و میزان ادغام و انحلالی که لاجرم روی می‌داد، از زاویه متساوی‌گرایانه و همسان‌نگرانه، در درون خود قبول نکرد» (Weissbrod, 2002: 7). جنبش‌هایی مانند خودرهایی یهودیان که بر لغو قوانین تبعیض‌آمیز در قبال یهودیان قرن ۱۹ در اروپا و به رسمیت شناختن برابری یهودیان در مقابل سایر شهروندان و اعطای رسمی شهروندی یهودیان اروپا تأکید داشت، در چنین فضایی شکل گرفته بود (Yivoencyclopedia, 2011: 7.22).

در مقابل، یهودیان اروپای شرقی تا اواخر قرن ۲۰، اغلب سنتی بوده و تأثیر کمتری از مدرنیته و واکنش‌های مربوط به آن گرفته بودند (شیردل، ۱۳۸۵: ۱۴۶). بر خلاف یهودیان اروپای غربی، ادغام و انحلال در میان یهودیان اروپای شرقی بسیار کمتر روی داد. آنان در چارچوب آموزه‌های ارتدوکسی سنتی بر این نظر بودند که «انسان نباید در اراده خداوند مداخله کند یا با آن بجنگد.» بنابراین، هیچ گونه اعتراض ساخت‌مندی به محدودیت‌ها و سخت‌گیری‌های امپراتوری روسیه در میان آنها شکل نگرفت. اگرچه امپراتوری روسیه در برخی از برهه‌های زمانی از محدودیت‌های بخش کوچکی از یهودیان تا حدودی کاست و اجازه داد آنها آموزش‌های همگانی را فراگیرند و از محدوده تعیین‌شده^۱ برای یهودیانی که

۱ - یکی از مناطق در روسیه تزاری که یهودیان اجازه داشتند در آن اقامت داشته باشند

اکثریت در آن محدود شده و یهودیت ارتدوکس در آن هنجار و قاعده به شمار می‌رفت، خارج شوند. با وجود این، ارتدوکس سنتی تا مدت‌ها، همچنان مهم‌ترین اندیشه غالب در میان یهودیان اروپای شرقی بود» (Weissbrod, 2002: 7).

بر این اساس، تمایز و تعریف «دیگر»ی در بستر هویت‌های فوق، مبهم، غیر شفاف و تعریف‌نشده می‌نمود، زیرا «دیگر»ی در اروپای غربی، جامعه غیر یهودی بود که یهودیان به جای طبقه‌بندی آنها در چارچوب «دگر» و «غیر»، در صدد بودند همه مرزهای تفکیک خود با آنها را از میان بردارند و در اروپای شرقی «دیگر»ی، امپراتوری تزار بود که یهودیان آنجا در نحله یهودیت ارتدوکس، آن را بخشی از «تقدیر خداوند»، می‌شمردند و بر این نظر بودند که «انسان نباید در اراده خداوند مداخله کند و یا با آن بجنگد. یهودیان خارج از فضای فکری ارتدوکسی نیز روند ادغام یهودیان در اروپای غربی را تنها راه حل می‌دانستند و برای این امر به مهاجرت‌های گسترده به اروپای غربی در اواسط قرن نوزدهم، روی آوردند» (Weissbrod, 2002: 7-8). بنابراین، «دیگری» و «تمایز» در «هویت» یهودیان در این دوره، جایگاهی نداشت.

۲. جایگاه «تمایز»، «دگر» و «هویت‌یابی» یهودیان در درون گفتمان صهیونیسم

صهیونیسم در متن فکری بزرگتری شکل گرفت که در ابتدا مخالف طرح ابراز وجود ملی و بی‌همتایی یهود بود. در سراسر سال‌های اولیه قرن ۱۸۰۰م، روند فکری غالب در میان آن دسته از اقلیت یهودیان اروپایی فرهیخته، هاسکالا مبتنی بر پیوستن بیشتر به روند غالب فرهنگ اروپایی و اصلاح برخی آداب باستانی یهودیت بود (کامروا، ۱۳۹۰: ۱۰۰). گفتمان صهیونیسم با هر دو روایت شایع از هویت در میان یهودیان اروپای غربی و نیز یهودیان ارتدوکس اروپای شرقی، یعنی پدیده انحلال و ادغام و انفعال در قبال تقدیر خداوند، مخالفت کرد و روایت سومی از هویت یهودی را گسترش داد.

بر اساس این روایت، گفتمان صهیونیسم بر این باور بود که یهودیان منحل‌شده یا ادغام‌شده، حقوق قانونی بر مبنای هویت یهودی خود را در ازای اینکه بخشی از یک ملت شمرده شوند، به فراموشی سپرده‌اند: «وقتی یهودیان اروپای غربی برای اولین بار حقوق قانونی مبتنی بر هویت یهودی خود را در راستای ورود به دولت ملت‌های اروپایی، واگذار کردند، تلاش کردند هویت مذهبی خود را از هویت قومی منقطع کرده و صرفاً بخشی از ملت‌ها در کشورهای مختلف به

شمار آیند که مذهب موسایی^۱ داشتند (آنها اصطلاح موسایی را بر یهودی ترجیح می‌دادند، زیرا این اصطلاح عاری از پایه‌های قومیتی بود) (Weissbrod, 2002: 6). از این رو، تفکیک میان قومیت و مذهب در گفتمان صهیونیسم، مورد انتقاد قرار گرفت: «یهودیان اروپای غربی که درصدد بودند در ملیت‌های مختلف منحل شوند، به این مسئله توجه نداشتند که یهودیت مذهب تک‌قومیتی است و نمی‌تواند به صورت جداگانه و مجزا از جماعت یهودیان تعریف شود، مگر آنکه در دامنه‌ای گسترده و عمیق بازتفسیر شود» (Weissbrod, 2002: 6).

از این رو، گفتمان صهیونیسم، نوعی بازبینی گسترده و عمیق را در هویت یهودی به وجود آورد و بسیاری از اصولی که به خودفهمی‌های یهودیان مشروعیت داده بود را به چالش کشید (Silberstein & Cohn, 1994: 1) یکی از مهم‌ترین این بازبینی‌ها، فرایند «دگر»سازی برای برساخت مقوله تمایز و عدم همانندی یهودیان با دیگران بود. بر این مبنا، «تمایز» یهودیان در دو نحله صهیونیسم سوسیالیست و صهیونیسم ملی‌گرا، به عنوان دو بخش مهم گفتمان صهیونیسم در مراحل آغازین شکل‌گیری آن، برساخته شد.

۲-۱. «تمایز» در صهیونیسم سوسیالیستی

سخت‌گیری‌ها علیه یهودیان در روسیه در دهه ۱۹۰۰، به تدریج برخی از آنها را به انتخاب مسیری خارج از آنچه یهودیت ارتدوکس، تأکید داشت، هدایت کرد. محدودیت‌های تزار به گونه‌ای بود که برای برخی از گروه‌های یهودی نه تنها انگیزه مهاجرت را فراهم کرد، بلکه هم‌زمان با گسترش ایدئولوژی کمونیسم، جرقه ترکیب صهیونیسم و سوسیالیسم، در میان آنها شکل گرفت و جنبش تأثیرگذاری با عنوان صهیونیست-سوسیالیست را ایجاد کرد. در پی این امر، هزاران یهودی برای فتح آرمان‌های سوسیالیستی، به صهیونیسم گرویدند. سوسیالیست‌های یهودی، بخش صهیونیستی تفکرات خود را مدیون اندیشه بیر بورچوف^۲ و ای. دی گوردون^۳

1. Mosaic
2. Ber Borochov
3. Aaron David Gordon

بودند. گروه «کارگر جوان»^۱ که توسط گوردون تشکیل شد و نیز «کارگران صهیون»^۲ و بعدها «گارد جوان»^۳، از تفکرات بیر بورچوف، تأثیر گرفته بود (Tabarani, 2008: 15). به باور بیر بورچوف، ایدئولوگ جنبش کارگران صهیون، دیاسپورا و پراکندگی یهودیان خارج از وطن اصلی، شرایط اجتماعی نابهنجاری را موجب شده که یهودیان از لحاظ اقتصادی در مرتبه پایین و از نظر سیاسی فرومانده شده بودند. از نظر نحله صهیونیسم سوسیالیستی، «سازماندهی جامعه بهنجار و عادی مانند هرمی بود که کارگران بدنه اصلی آن را تشکیل می‌دادند و صاحبان زمین و سرمایه‌داران نیز کوچکترین فضا از این هرم را اشغال می‌کنند. این در حالی است که شرایط دیاسپورا موجب شکل‌گیری هرم وارونه در دورن جوامع یهودی شده بود که در آن طبقه کارگری یا دهقانی یهودی اجازه رشد و تشکیل نیافته بودند. از این رو، بورچوف روند پرولتاریزه‌شدن یهودیان در میهن ملی را آغاز «خودآزادسازی» یهودیان می‌دانست و بر این نظر بود که طبقه نوپای پرولتاریا پس از این مرحله می‌تواند بخشی از جنبش بین‌المللی صهیونیسم شود (Tabarani, 2008: 15). بیر بورچوف در جنبش صهیونیسم، نقش بسیار مؤثری ایفا کرد، زیرا ناسیونالیسم یهودی را در بستر تضاد طبقاتی مارکسیسم و ماتریالیسم دیالکتیک، تبیین کرد. وی به خوبی پیش‌بینی کرد که نیروهای ملی‌گرا و ناسیونالیست در تعیین‌کنندگی رویدادها، نسبت به ملاحظات طبقاتی و اقتصادی، به ویژه در میان یهودیان، دارای اهمیت بیشتری هستند. بورچوف بر مبنای تلفیق ناسیونالیسم یهودی و مارکسیسم، استدلال می‌کرد که ساختار طبقاتی یهودیان اروپا همانند هرمی وارونه عمل می‌کند که طبقه یهودیان به عنوان کارگر، در آن بسیار توسعه‌نیافته است. از این رو، یهودیان باید از یک کشور به کشور دیگر مهاجرت کنند و در نتیجه فرایند طبیعی در انتخاب یک حرفه، ناگزیر به مهاجرت به فلسطین شوند، به گونه‌ای که در آنجا طبقه پرولتاریا را برای پیشبرد نزاع طبقاتی مارکسیستی، تشکیل دهند. بنابراین،

1. The Young Worker (Hapoel Hatzair)

کارگر جوان یک گروه صهیونیستی بود که از سال‌های ۱۹۰۵ تا ۱۹۳۰ در فلسطین فعالیت می‌کرد. این گروه خط مشی صلح‌طلب و غیر نظامی داشت و به دنبال ایجاد جای پای یهودیان در فلسطین از طریق تفکر «فتح یا تسخیر کار» یا همان «کار عبری» بودند.

2. workers of Zion (Poalei Tziyon)

کارگران صهیون یک گروه مارکسیستی - صهیونیستی بودند که در شهرهای مختلف امپراطوری روسیه در اواخر قرن نوزده و سال‌های ابتدای قرن بیستم فعالیت می‌کردند.

3. the young guard (Hashomer Hatzair)

جنبش جوانان یهودی سوسیالیست - صهیونیست که در سال ۱۹۱۳ در گالیسیا، اتریش - مجارستان تأسیس شد. این گروه یکی از احزاب سیاسی در میان یهودیان فلسطین در آستانه تأسیس اسرائیل بود.

نحله صهیونیسم سوسیالیستی در گام اول، طبقه بورژوازی غیر یهودی را «دگر» یهودیان معرفی کرد. نکته قابل توجه در این میان، منحصر به فرد بودن و تفاوت یهودیان به عنوان بخشی از طبقه پرولتاریا با سایر بخش‌های طبقه کارگری جهان بود، زیرا با صهیونیسم درآمیخته بود. بر این مبنا، یهودیان بر خلاف سایر بخش‌های طبقه پرولتاریا که مبارزه در مرزهای خود علیه بورژوازی را انجام می‌داد، می‌بایست برای مبارزه با بورژوازی به فلسطین مهاجرت می‌کرد. این امر تمایز و عدم همانندی یهودیان با سایرین را حتی درون طبقه کارگران جهان، در خود نهفته داشت. بنابراین، صهیونیسم سوسیالیستی با برساخت «تمایز» میان یهودیان به عنوان بخش مهمی از طبقه کارگر در جنبش پرولتاریایی در مقابل «دگر»ان سرمایه‌دار و بورژوا که عمدتاً غیر یهودیان دیاسپورا را شامل می‌شد، گفتمان صهیونیسم را در میان یهودیان گسترش داد و هویت آنها را در قالب «مردمان تمایز» که همانند سایرین نیستند، شکل داد و به تدریج عرب‌ها را نیز در بر گرفت.

یکی از مهم‌ترین نکات در نظریات بورچوف، اشتراک منافع پرولتاریایی طبقات کارگر یهودی و عرب بود و بر این امر تأکید می‌شد که یهودیانی که به فلسطین بازمی‌گردند، در نزاع و جنگ طبقاتی در کنار عرب‌ها قرار می‌گیرند (Zionism-israel, Ber Borochov). با وجود این، تمایز یهودیان به عنوان طبقه پرولتاریا در مقابل طبقه بورژوازی غیر یهودی به تدریج با قانون «تسخیر کار»^۱، در مقابل عرب‌ها نیز نمود یافت و تبدیل به تمایز یهودیان از عرب‌ها در فلسطین شد. بر این مبنا، نحله صهیونیسم سوسیالیستی در چارچوب آرمان‌های خود، تلاش کرد صاحبان مزارع در فلسطین را به اعطای دستمزدهای بالاتر وادار کند و همچنین، موجی از فشار برای استخدام کارگران یهودی بومی و مهاجر به جای عرب‌ها به عنوان جنبه‌ای از «تسخیر کار»، بر آنها اعمال شد (Tabarani, 2008: 17). این امر موجب شد عرب‌ها به تدریج در کسوت «دگر» یهودیان در فلسطین، معرفی شوند.

1. conquest of labor

تسخیر کار یا «کار عبری» به معنای استفاده از کارگران یهودی در عثمانی و در فلسطین بود. بسیاری از مهاجران طی علیای دوم، به دنبال کار بر روی مزارع یهودیان دینداری بودند که در مهاجرت اول به فلسطین آمده بودند. مهاجران علیای اول بیشتر از کارگران عرب به عنوان نیروهای ارزان استفاده می‌کردند. این روند در طول مهاجرت دوم با اندیشه‌های هویت یهودی واحد و ملی‌گرایی مشترک آمیخته شد و در راستای جنبش سوسیالیستی صهیونیسم، کارگران یهودی جایگزین عرب‌ها شدند.

۲-۲. «تمایز» در صهیونیسم ملی گرا

ملی‌گرایی یا رنسانس ملی، یکی از نحله‌های مهم گفتمان صهیونیسم در مراحل آغازین آن بود. آشر گینسبرگ با نام عبری احد حائام، بر خلاف تئودور هرتزل که بنیان‌گذار صهیونیسم سیاسی بود، صهیونیسم فرهنگی را مبتنی بر ایجاد «کانون معنوی» در اسرائیل به راه انداخت و دستیابی به «ملت یهودی» را هدف خود قرار داد (Knesset website). حائام در مقاله اول خود روح معنوی رنسانس عبری، در درون جنبش صهیونیستی را ستود. به اعتقاد وی، برای مقابله با هویت شکننده‌ای که در میان یهودیان دیاسپورا وجود داشت، اندیشه وحدت یهودیان از طریق بازگشت به فلسطین، پاسخ مناسب نبود و ایده‌هایی مانند وعده بازگشت^۱ که در کتاب مقدس به آن اشاره شده بود، نسبت به پروژه جدید صهیونیسم سیاسی از چارچوب قدرتمندتری برخوردار بود. از نظر حائام، یک مرکز معنوی و یا مقر کانونی در فلسطین، به نام سرزمین اسرائیل، مدل مناسبی برای مسئله یهودیان در تبعید بود، به گونه‌ای که تقلید از این مدل می‌توانست تمرکز معنوی یهودیان پراکنده را در پی داشته باشد (Spiegel, 1962: 286-289). انتقادات احد حائام به صهیونیسم عملی به گونه‌ای بود که وی پس از کنگره اول صهیونیستی از این جنبش جدا شد، زیرا ایده‌های هرتزل را غیر عملی می‌دانست (Tamir, 2013: 45). حائام در مقاله «این راه حل نیست»^۲ در سال ۱۸۸۹، پیشگامان صهیون را به تغییر در رویکردهای خود فرا خواند و نوشت: «سرزمین اسرائیل نخواهد توانست یهودیان دیاسپورا را جذب کند و حتی نمی‌تواند اکثریت یهودیان را نیز جذب کند. تأسیس خانه ملی یهود، مشکل یهودیان را حل نمی‌کند.» وی در مقاله خود شرایط نامناسب جغرافیایی اسرائیل را یکی از عوامل مهم در دلسردی مهاجران دانست و تأکید کرد که پیشگامان صهیون وظیفه دارند به تقویت ارزش‌های یهودی در میان یهودیان بپردازند، به گونه‌ای که آنها را از لحاظ روحی آماده اسکان به رغم مشکلات بزرگ کنند. وی نوشت:

«اکنون با این شرایط چه باید بکنیم؟ اولین وظیفه ما باید احیای حس ملت‌خواهی باشد؛ الهام‌بخشیدن به مردمان برای دلبستگی عمیق‌تر به زندگی ملی و میل سرسختانه برای خیر عمومی. بدین ترتیب، ما باید بر ضرورت این عامل تعیین‌کننده تأکید کنیم و از این رو باید

1. kibbutz galuyoth
2. Lo ze haderekh" (This is not the way)

پیروان فداکار خود را داشته باشیم. چنین کاری بسیار دشوار است و مدت زمان طولانی، شاید بیش از یک سال و حتی بیش از یک دهه، طول می‌کشد... ما باید تلاش جدی را برای آموزش یهودیان ایجاد کنیم که برای مردم خود کار کنند، ما باید تلاش کنیم ایده‌آل ما در میان یهودیان غلبه یابد تا در آخر پیروانی حقیقی و مخلص را پیدا کنیم، با تمام ویژگی‌هایی که آنها را قادر به تحقق عملی ایده ما می‌کند... در ابتدا گزارش‌های خوش‌بینانه‌ای منتشر شد که بر مبنای آنها زمین‌های حاصل‌خیز، امکانات بالا، گله‌های احشام بسترهای اصلی برای حفظ یک خانواده در آسایش و رفاه در فلسطین کافی بود، به گونه‌ای که هر کس قصد داشت کار درستی انجام دهد و سرمایه لازم را برای خرید زمینی داشت، یک زمین خوب برای رونق‌دادن به زندگی خود و خانواده‌اش به او واگذار می‌شود. جذابیت این مسیر، تعدادی از افراد را به منظور آسایش و وفور نعمت برای رفتن به فلسطین ترغیب کرد و این خوشحالی مروجان این نوع تفکر را به دنبال داشت. در حالی که هیچ تحقیق مفیدی در مورد اینکه مهاجران به فلسطین چه کسانی هستند و چرا به آنجا مهاجرت کردند، انجام نشد... بنابراین، اجازه دهید به همان مسیری که راهمان را از آنجا آغاز کردیم، برگردیم. به جای خراب‌کردن، اجازه دهید ریشه‌های ایده‌مان قوی شود و جایگاه آن در میان یهودیان تقویت شود نه از طریق زور، بلکه به وسیله نفوذ در روح. پس ما باید در زمانی که داریم امکان انجام گام‌های واقعی را مهیا کنیم. «من آن را می‌بینم اگر چه نه اکنون» (Leon Simon, 1912).

احد حائام پس از کنگره اول در بازل، در مقاله دیگری با عنوان «دولت یهود، مسئله یهود»، با توجه به وضعیت اسفبار و رقت‌برانگیز شهرک‌های یهودی‌نشین، ایده شناسایی بین‌المللی دولت یهود را به تمسخر گرفت. وی نوشت:

«حتی اگر خانه ملی یهود ایجاد شود و در قوانین بین‌المللی به رسمیت شناخته شود، بدون احیای ملی گرایانه یهودی در میان یهودیان خارج از مرزهای فلسطین، ناپایدار و ضعیف خواهد بود. در حالی که احیای احساسات ملی گرایانه، به بسیج عمومی یهودیان خواهد انجامید» (Dailyweeke, 212781005).

اندیشه حائام تأثیر شگرفی را در گسترش و تعمیق گفتمان صهیونیسم در میان یهودیان و نیز انسجام‌بخشی آن بر جای گذاشت. کنگره صهیونیسم در سال ۱۸۹۸، ایده احد حائام را

مبتنی بر انتشار فرهنگ یهودی در خارج از کشور به عنوان ابزاری برای پیشبرد اهداف صهیونیستی و احیای فرهنگ یهودی به تصویب رساند (Cambridge forecast, 2007: 8.31). عقاید و اندیشه‌های وی همچنین موجب تأسیس گروه بنای موشه در سال ۱۸۸۹ شد. این گروه در کنگره دوم صهیونیسم در سال ۱۸۹۹ در پذیرش قطعنامه‌ای که به موجب آن برگزاری فعالیت‌های آموزشی و فرهنگی در اسرائیل و خارج از آن برای ساخت هویت ملی تصویب شد، بسیار تأثیرگذار بودند. همچنین، گروه بنای موشه یا پسران موسی، شبکه‌ای از مدارس عبری را برای گسترش و تعمیق باورهای احد حائام، تأسیس کردند. پایه اصلی آموزش در این مدارس، القای این امر بود که «یهودی لزوماً کسی نیست که در قانون یهود، یهودی شناخته می‌شود، بلکه کسی است که خود را درون ملی‌گرایی یهود شناخته و آن را در جریان مهاجرت به اسرائیل، ابراز می‌دارد و همچنین، با زبان عبری سخن می‌گوید». بنای موشه همچنین در گسترش آموزش و پرورش عبری در میان یهودیان، تأسیس کمپانی نشر و چاپ عبری^۱ و همچنین در تأسیس شهرهای اسرائیل همچون رهوبوت^۲ و اسکان یهودیان در آن، نقش مهمی را ایفا کرد (Knesset.gov_haam).

آموزه‌های احد حائام و نحله صهیونیسم ملی‌گرا که توانست با موفقیت گفتمان صهیونیسم را تثبیت کند، بر هویت متمایز یهودیان، تأکید بسیاری نمود و با ترویج رنسانس عبری به احیای زبان عبری، یدیش، آداب و رسوم یهودی و... انجامید. این عوامل، تمایز یهودیان با غیر یهودیان را بیش از پیش برجسته کرد و با تمرکز که بر عدم همانندی یهودیان به عنوان قومی متمایز که دارای زبان، فرهنگ و دین مشترک هستند، نیاز به وجود یک دولت-ملت برای قوم یهود را هم‌سو با گفتمان صهیونیسم، در هویت یهودیان بر ساخته کرد.

بنابراین، در مرحله اول شکل‌گیری گفتمان صهیونیسم، تمایزگذاری میان یهودیان و غیر یهودیان در دیاسپورا^۳ یعنی مرزهای خارج از فلسطین شکل گرفت و مرحله مهاجرت یهودیان برای تأسیس اسرائیل انجام شد. گفتمان صهیونیسم پس از تأسیس اسرائیل، هم‌سو با اهداف مهم خود از جمله گسترش مهاجرت یهودیان به فلسطین، حفظ اسرائیل و تعمیق

1. Achiasaf
2. Rehovot
3. Diaspora

حمایت از این رژیم در میان یهودیان جهان و نیز از سوی کشورهای مختلف در فضای بین‌المللی و... تمایزسازی میان یهودیان را با مجموعه‌ای از «دگر»ها و غیرهای مذهبی، نژادی و سیاسی تداوم بخشید.

ج. بازتولید «تمایز» در هویت یهودیان در دوره کنونی

پس از تأسیس اسرائیل، تمایزسازی در گفتمان صهیونیسم در داخل مرزهای سرزمین‌های اشغالی و نیز خارج از آن ادامه یافت. این فرایند در میان یهودیان خارج از اسرائیل به ویژه در آمریکا و اروپا به منظور برساخت و بازتولید هویت آنان در قالب گفتمان صهیونیسم، به دلیل منافع حائز اهمیتی که برای جایگاه اسرائیل، به همراه داشت، به صورت قابل ملاحظه‌ای دنبال شد. جذب یهودیان در سازمان‌ها و تشکل‌های صهیونیستی «تمایزساز»، موضع‌گیری در مقابل «دگر»های سیاسی و تأکید بر آنتی سمیتیسم به عنوان بستر تمایزسازی، از مهم‌ترین شیوه‌ها در گفتمان صهیونیسم به منظور بازتولید «تمایز» در هویت یهودیان بود. در ادامه به این موارد با تأکید بر نمونه موردی ایران، پرداخته می‌شود.

۱. تشکل‌های تمایزساز

سازمان‌های صهیونیستی از آغاز شکل‌گیری گفتمان صهیونیسم، نقش مهمی را در مهاجرت یهودیان به اسرائیل و نهادمندساختن ابعاد مختلف گفتمان صهیونیسم داشته‌اند. کارکرد این سازمان‌ها پس از تأسیس اسرائیل، طیف گسترده‌تری شامل تداوم مهاجرت گروه‌های بیشتری از یهودیان به اسرائیل، حفظ موقعیت و منافع اسرائیل در آمریکا و کشورهای اروپایی، نقش‌آفرینی به عنوان لابی پرنفوذ این رژیم در بخش‌های مختلف ساختار سیاسی کشورها و... را بر عهده گرفتند. از این رو، این سازمان‌ها به تدریج رشد کرده و در مرحله کنونی به صورت شبکه‌ای، در ابعاد مختلف گسترش یافتند. یکی از اهداف مهم سازمان‌ها و لابی‌های صهیونیستی، جذب یهودیان کشورهای مختلف در این سازمان‌ها بوده و برای این هدف، بسیاری از آنها اتحاد میان یهودیان را هدف اصلی خود معرفی می‌کنند. تعداد قابل ملاحظه‌ای

از این سازمان‌ها نیز در نام‌گذاری خود به جای تأکید بر صهیونیست‌بودن، ترجیح داده‌اند از عنوان «یهودیان» برای معرفی خود استفاده کنند. «اتحادیه یهودیان اروپا به عنوان یکی از سازمان‌های بزرگ صهیونیستی در سطح اتحادیه‌ای، در اساسنامه خود، مدعی می‌شود: «اتحادیه یهودیان اروپا^۱ ساختار وحدت‌بخش برای تمامی انجمن‌ها و سازمان‌های یهودی در سراسر اروپای غربی، اروپای شرقی و اروپای مرکزی است. ما فعالانه در تقویت زندگی یهودیان با تأکید بر آموزش، برنامه‌های اجتماعی و فعالیت‌های فرهنگی تلاش می‌کنیم. به ما بپیوندید و عضوی از خانواده یهودیان اروپا شوید» (Eju.about). بدین ترتیب، تشکل‌هایی که به صورت سازمان‌یافته و ساخت‌مند، تمایلات و باورهای گروه‌های یهودی دیاسپورا را در حمایت از اسرائیل به پیش می‌برند، با هدف جذب یهودیان در چارچوب گفتمان صهیونیسم، در دامنه وسیعی از سازمان‌های ملی و فراملی مشغول به فعالیت شدند (سازمان‌های یهودی صهیونیستی جهان، ۱۳۹۰: ۲۶). از همین رو، فعالیت شبکه‌ای و طبقه‌بندی‌شده منظم آنها در حمایت از موجودیت، اهداف و اقدامات اسرائیل، به گونه‌ای است که آنها را بازوان دیپلماتیک این رژیم در سطح بین‌الملل نامیده‌اند. برای نمونه، در حالی که «کنگره جهانی یهود» پس از جنگ دوم جهانی بر مشکلات یهودیان در اروپا متمرکز شد، «انجمن ضد افترا» به عنوان سازمان ملی، گسترش آنتی سمیتیسم در آمریکا را مد نظر قرار داد و «کمیته امور عمومی اسرائیل و آمریکا» (آپیک) در کنار سازمان «کنفرانس رؤسا»، مهم‌ترین سازمان‌های یهودی را در آمریکا تشکیل می‌دهند (Karsh, 2004: 310). به رغم تأکید هر کدام از سازمان‌های صهیونیستی بر یک هدف بیش از اهداف دیگر، همه آنها هماهنگی سیاست‌ها در میان جوامع یهودی، برنامه‌های آموزشی میان یهودیان، برگزاری برنامه‌های مختلف برای برقراری ارتباط با یهودیان را مد نظر قرار دادند. این امر به گونه‌ای است که سازمان‌های صهیونیستی حتی در برخی از کشورها که تعداد یهودیان انگشت‌شمار است نیز با آنها ارتباط برقرار کرده و آنها را تحت پوشش برنامه‌های خود قرار می‌دهند.

بنابراین، یکی از کارکردهای اصلی سازمان‌های یهودی صهیونیستی، تمایزسازی و بازتولید آن در میان یهودیان، از طریق جذب آنها در تشکل‌ها و ساختارهای سازمانی است. آنها با

برنامه‌های مختلف و نفوذ به درون جوامع یهودیان، این اصل گفتمان صهیونیسم که «مردم یهود، ملت متمایز و مجزا از «دگر»ان هستند» را مورد تأکید قرار می‌دهند (Jweekly, 63331). سازمان‌های صهیونیستی برای بازتولید این اصل گفتمان صهیونیسم، «دگر»های مختلف را خلق کرده و یهودیان را در مقابل آنها قرار می‌دهند. دامنه تمایزسازی در این تشکل‌ها، سطوح مختلف زندگی یهودیان اعم از سطح اجتماعی همچون چگونگی برخورد با یهودیان^۱ در مدارس، دانشگاه‌ها، شهرها، اماکن مذهبی^۲، موقعیت‌های شغلی، هنر^۳، غذا^۴ و... همچنین سطح سیاسی همچون انتخابات مختلف در ایالات، شهرها و کشورهایی که یهودیان یا انتخاب‌کننده هستند یا انتخاب‌شونده^۵، سیاست‌های درون‌ملی یا ملی که به نحوی با یهودیان مرتبط باشد^۶، ادبیات سیاسی مقامات سیاسی مختلف در مورد یهودیان که اسرائیل را نیز شامل می‌شود^۷ و چگونگی مواجهه سیاسی کشورها با اسرائیل به عنوان دولت یهود^۸ و... را شامل می‌شود. اخبار

۱. بنگرید به

Gang attacks 2 Jewish men in Paris, <http://www.jta.org/2015/05/03/news-opinion/world/jewish-men-attacked-by-gang-in-paris-2>,

۲. بنگرید به

Copenhagen church vandalized ahead of rabbi's lecture, <http://www.jta.org/2015/05/04/news-opinion/world/copenhagen-church-vandalized-ahead-of-rabbis-lecture>

۳. بنگرید به

Woody Allen's new film about — guess what? — an older man falling for a young babe <http://www.jta.org/2015/04/29/news-opinion/the-telegraph/play-it-again-woody-allens-new-film-retreads-his-older-manyounger-woman-obsession>

۴. بنگرید به

<http://www.jta.org/2015/05/04/news-opinion/united-states/florida-prisons-ordered-to-serve-kosher-meals> Florida prisons ordered to serve kosher meals,

۵. بنگرید به

۵ things to know about Ed Miliband before Thursday's election in Britain,

<http://www.jta.org/2015/05/05/default/5-things-to-know-about-ed-miliband-before-thursdays-election-in-britain>

۶. بنگرید به

ADL welcomes Belgian PM Charles Michel's commitment to provide funding to secure Jewish institutions in the country, http://ejpress.org/index.php?option=com_content&view=article&id=52104&catid=7

۷. بنگرید به

French extreme-right party suspends founder Jean-Marie Le Pen for his Holocaust remarks, http://ejpress.org/index.php?option=com_content&view=article&id=52174&catid=2

۸. بنگرید به

US Congress acts against European boycotts of Israel,

http://ejpress.org/index.php?option=com_content&view=article&id=52096&catid=17

منتشره در خبرگزاری‌هایی همچون جی.تی.ای^۱ و ای.جی.پرس^۲ که رویدادهای مربوط به یهودیان آمریکا و اروپا را روزانه منعکس می‌کنند و همچنین، توجه به گستره مواضع سازمان‌های صهیونیستی در قبال یهودیان، این امر را به روشنی به اثبات می‌رساند. از این رو، نفوذ به جامعه یهودیان در کشورهای مختلف، هم‌زمان با برساخت «دگر» هویتی آنها صورت می‌گیرد. بر این مبنای، سازمان‌های صهیونیستی در تمام حوزه‌های خصوصی و عمومی یهودیان، وارد شده و «دگر»های آنان را تعریف می‌کنند. نتیجه این امر، برساخت دگرهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، مذهبی، نژادی و... و همچنین، بازتولید تمایز مورد نظر گفتمان صهیونیسم در هویت یهودیان خواهد بود.

جمهوری اسلامی ایران، یکی از «دگر»های مهمی است که شکل‌ها و سازمان‌های تمایزساز صهیونیستی بر آن تمرکز داشته و تلاش دارند آن را به عنوان «دگر» نه تنها در عرصه سیاسی-امنیتی، بلکه دینی نیز برساخته کنند. بازتاب اخبار ایران با روایت‌ها و تفاسیر مورد نظر این سازمان‌ها و نیز موضع‌گیری‌های مختلف در قبال تحولات ایران، مهم‌ترین شیوه‌هایی است که سازمان‌های مذکور برای برساخت ایران به مثابه «دگر» سیاسی، امنیتی و دینی در قبال یهودیان به کار می‌گیرند. برای تبیین اینکه سازمان‌های مذکور چگونه واقعیت ایران را در چارچوب گفتمان صهیونیسم در هویت یهودیان، برساخته می‌کنند، رویکرد «کمیته یهودیان آمریکا» به عنوان سازمان مهم و فعال تمایزساز در میان یهودیان، در قبال ایران بررسی می‌شود.

«کمیته یهودیان آمریکا»^۳ یکی از سازمان‌های مهم صهیونیستی در جهان است که در اکثریت ایالات آمریکا دفاتر خود را مستقر کرده است. این سازمان دارای ۹ دفتر بین‌المللی در کشورهای فرانسه، کانادا، برزیل، آلمان، ایتالیا، جنوب شرق آسیا، سوئد، هند و اسرائیل است. اگرچه حفظ امنیت اسرائیل و حمایت از منافع اسرائیل در کنگره آمریکا، مهم‌ترین هدف این سازمان صهیونیستی است، اما در معرفی خود می‌نویسد: «تقویت امنیت و آرامش زندگی یهودیان در آمریکا و سایر نقاط جهان از اولویت‌های مأموریت ما و دلیل آغازین تأسیس این سازمان است» (Ajc, 9196379). کمیته یهودیان آمریکا از یهودیان می‌خواهد در هر کجا که در

1. Jewish Telegraphic Agency
2. European Jewish Press
3. American Jewish Committee

آمریکا یا خارج از این کشور، ساکن هستند با دفاتر محلی این سازمان ارتباط برقرار کنند. همچنین، کنفرانس‌های سالانه، دیدار رؤسای این سازمان از جوامع یهودی، برپایی برنامه‌های مذهبی و... از جمله راه‌هایی است که این سازمان از طریق آنها یهودیان را به خود جذب می‌کند (Ajc, 8466973).

ایران در خط مشی سازمان کمیته یهودیان آمریکا جایگاه ویژه‌ای دارد. این سازمان در سایت رسانه‌ای خود لینکی را با عنوان «تهدید ایران»، در قسمتی که به اقدامات و اهداف این سازمان، پرداخته است، به صورت جداگانه و مستقل ایجاد کرده است. لینک «تهدید ایران» کاربر را به صفحه‌ای راهنمایی می‌کند که در آن از تصویر موشک به عنوان نماد ایران استفاده شده و در پایین تصویر، توضیحات با عنوان «جاه‌طلبی‌های هسته‌ای ایران» آورده شده است: «اصرار ایران برای دستیابی به قابلیت سلاح هسته‌ای و حمایت از سازمان‌های تروریستی بین‌المللی، تهدید عمیق برای صلح و امنیت جهانی محسوب می‌شود. سال‌های متمادی است که کمیته یهودیان آمریکا این مسئله را به جهان هشدار می‌دهد. اکنون که مذاکره با ایران در مورد موضوع هسته‌ای در حال وقوع است، کمیته یهودیان آمریکا به شدت خواستار آن است که توافق نهایی باید به تصویب کنگره آمریکا برسد» (Ajc, 8467017).

همچنین، در سه بخش «اخبار و بیانیه‌ها»، «تفسیر رادیویی» و «نظرات و تحلیل»، مطالب مختلفی به صورت مجزا در مورد ایران از سوی تحلیل‌گران این سازمان صهیونیستی، به نگارش درآمده است. موضوعات این مطالب طیف گسترده‌ای از بر ساخت ایران به عنوان «دگر» سیاسی و امنیتی و همچنین «دگر» دینی را بازتاب می‌دهد. این سازمان با تأکید بر تهدید هسته‌ای ایران، بعد سیاسی و امنیتی دگرسازی در قبال ایران را پیش می‌برد. «چرا باید در مقابل ایران ایستاد؟»^۱، «ایران بیمار است»^۲، «مصوبه سنا باید بر

۱. بنگرید به

Nuke Talks: What the world must do to avert an Iranian doomsday
<http://www.ajc.org/site/apps/nlnet/content3.aspx?c=7oJILSPwFfJSG&b=8451809&ct=14553361¬oc=1> Iran

۲. بنگرید به

Patient Iran
<http://www.ajc.org/site/apps/nlnet/content3.aspx?c=7oJILSPwFfJSG&b=8451809&ct=14197853¬oc=1>

دوش رهبران ایران باشد»^۱، «مخاطرات وحشتناک در توافق با ایران»^۲ «دیدگاه‌های ایران در مورد اسرائیل»^۳ «نباید فریب میانه‌روهای ایران را خورد»^۴ و... از جمله مطالبی است که این سازمان در آنها ایران را در چارچوب دگر هویتی که در صدد برساخت آن است، بازتاب می‌دهد.

بازتعریف ایران در قالب دگر دینی و مذهبی، از دیگر اقدامات این سازمان است. قرارداد ایران در قالب «افراط‌گرایی اسلامی» و لزوم مقابله با «خطرات آن»، حاکی از تلاش کمیته یهودیان آمریکا برای تمایزسازی دینی در هویت یهودیان در قبال ایران است. این سازمان «افراط‌گرایی اسلامی» را تهدید اصلی «یهودیان به واسطه آنکه یهودی هستند»، می‌شمارد و تلاش می‌کند ایدئولوژی ایران را بخشی از آنچه «رادیکالیسم جهادی و اسلامی» می‌خوانند، معرفی کند:

«همه گونه‌هایی که به دنبال آزار یهودیان هستند، نحله‌هایی از افراط‌گرایی اسلامی و جهادی هستند و فاشیسم و اسلام را با هم آمیخته کرده‌اند... ما باید برای مقابله با این خطر همه متحد و در کنار هم بایستیم و این تهدید بزرگ را متوقف کنیم» (Ajc, 14525215).

این سازمان در مطالب دیگری، ایران را به صورت آشکار در مقابل یهودیان، قرار می‌دهد و تلاش می‌کند چهره‌ای غیر واقعی در مورد پیگردهای مذهبی ایران در مقابل اقلیت‌ها را به یهودیان، ارائه دهد:

۱. بنگرید به

Senate Bill Shifts Burden to Iran's Leaders
<http://www.ajc.org/site/apps/nlnet/content3.aspx?c=7oJILSPwFfJSG&b=8451809&ct=13568277¬oc=1>

۲. بنگرید به

High Stakes of Iran Deal,
<http://www.ajc.org/site/apps/nlnet/content3.aspx?c=7oJILSPwFfJSG&b=8451709&ct=14586339¬oc=1>

۳. بنگرید به

Iran's View of Israe,
<http://www.ajc.org/site/apps/nlnet/content3.aspx?c=7oJILSPwFfJSG&b=8451811&ct=13254525>

۴. بنگرید به

Don't Be Fooled by 'Moderate' Iran,
<http://www.ajc.org/site/apps/nlnet/content3.aspx?c=7oJILSPwFfJSG&b=8451811&ct=13189469>

«حقایق تلخ تبعیض نژادی در ایران فقط مختص به بهایی‌ها نیست، این کشور تمام اقلیت‌ها غیر از شیعیان را تحت پیگرد و آزار و اذیت قرار می‌دهد. یهودیان و مسیحیان از جمله مهم‌ترین گروه‌هایی هستند که ایران اجازه آزادی مذهبی را به آنان نمی‌دهد» (Ajc, 13172609).
در همین چارچوب، دیوید هریس رئیس این سازمان به همراه مجموعه‌ای از کارشناسان و تحلیل‌گران یهودی وابسته به کمیته یهودیان، ایران را مرتبط با مقوله «ترور یهودیان در جهان»، بازتعریف می‌کنند:

«رهبران ایران، جهانی بدون دولت یهود را خواهانند. حملات تروریستی به اهداف یهودی در جهان و حمایت از گروه‌های تروریستی علیه یهودیان، بخشی از ایدئولوژی تغییرناپذیر ایران است» (Ajc, 13254525). «قدرت ایران مصادف خواهد بود با گسترش ترورهای ایران از آذربایجان تا آرژانتین»، «در صورت وجود ایران مهارنشده، اقلیت‌های بسیاری از جمله روزنامه‌نگاران، وبلاگ‌نویسان، فعالان حقوق زنان، یهودیان و... در معرض ترور خواهند بود» (Ajc, 12484809). «ترور وحشتناک ۸۵ تن از یهودیان آرژانتینی توسط ایران همواره در خاطره یهودیان باقی است... امروز زمانی است که یهودیان باید در مقابل ایران و خطرناک‌تر شدن آن بایستند...» (Ajcradio, 2013: 5.30).

هریس در مطلب دیگری با عنوان «اگر «ما» نیستیم، پس چه کسی هستیم؟» هویت یهودیان را در قبال تهدیدات فوق این‌گونه بیان می‌کند:

«یهودیان با تهدیدات و خطرات جدید مواجه هستند، از تلاش برای منزوی‌سازی یهودیان تا اهریمن جلوه‌دادن اسرائیل... آیا زمان آن نرسیده که هر کدام از ما از خود بیرسیم چگونه می‌توانیم به حل این تهدیدات کمک کنیم؟ باید به خود یادآوری کنیم که یهودیان در طول تاریخ نشان داده‌اند می‌توانند در برابر این چالش‌ها مقابله کنند و آنها را بردارند» (Ajc, 2014: 9.14).

بنابراین، کمیته یهودیان آمریکا به عنوان تشکل مهم تمایزساز، ایران را به مثابه دگر هویتی در ابعاد سیاسی، امنیتی و دینی بر ساخته می‌کند. «ایران به عنوان کشوری که در صدد دستیابی به بمب هسته‌ای برای ترور مخالفان به ویژه یهودیان است»، «ایران به دلیل آنکه اسرائیل دولت یهود است، به دنبال نابودی آن است»، «ایران در قالب افراط‌گرایی جهادی و اسلامی، امنیت یهودیان را در مخاطره جدی قرار داده است» و... از جمله محورهای مورد نظر کمیته یهودیان

آمریکا در قبال ایران بوده است. این تشکل، پس از برساخت واقعیت ایران در چارچوب اهداف مورد نظر، تنها راه کار را تجمیع یهودیان برای مقابله با این خطر می داند. تجمیع یهودیان در مقابل دگر هویتی، مهم ترین گام در بازتولید مقوله تمایز در هویت آنها در قبال «دیگران»، بوده است.

۲. تأکید بر آنتی سمیتسم

آنتی سمیتسم^۱ یا یهودستیزی، به معنای «باور به رفتار خصمانه با یهودیان صرفاً به دلیل یهودی بودن آنها»، یکی از اصول مهم گفتمان صهیونیسم است. آنتی سمیتسم در گفتمان صهیونیسم «رفتار خصمانه با یهودیان، شامل رفتار حقارت آمیز به دلیل دین آنها و یا تلاش های سیاسی برای منزوی ساختن آنها و همچنین، آسیب های مختلفی است که از سوی غیر یهودیان اعمال می شود» (Jewishvirtuallibrary). هلن فین^۲ محقق هولوکاست، آنتی سمیتسم را «ساختار نهفته در اعتقادات خصمانه نسبت به یهودیان در نگرش ها، فرهنگ، اسطوره، ایدئولوژی، فرهنگ عامه، تصاویر و در اعمال اجتماعی» می داند که با «تبعیض های قانونی، بسیج سیاسی، خشونت جمعی و دولتی علیه یهودیان» همراه بوده و به «جابه جایی، مهاجرت و یا نابودی یهودیان» انجامیده است. دیترز برینگ^۳ استاد دانشگاه کلن نیز می نویسد: «در پدیده آنتی سمیتسم، یهودیان به صورت کامل، بدذات هستند و صفات بد آنها اصلاح ناپذیر است. یهودیان اساساً به عنوان افرادی بیگانه در جوامع نگرسته می شوند. آنها نه به عنوان افراد مستقل، بلکه همواره به عنوان هویت جمعی تعریف می شوند. آنها در جوامع میزبان خود به مثابه فاجعه هستند که مخفیانه نقشه های خود را انجام می دهند. بنابراین، آنتی سمیتسم ها وظیفه خود می دانند توطئه های یهودیان و شخصیت بدذات آنها را آشکار نمایند» (Weinberg, 2010: 18).

1. Anti-Semitism
2. Helen Fein
3. Dietz Bering

تأکید بر آنتی سمیتیسم همانگونه که از تعاریف آن برداشت می‌شود، یکی از شیوه‌های مهم تمایزسازی در گفتمان صهیونیسم است. گفتمان صهیونیسم از آنتی سمیتیسم با عنوان «موج نفرتی که همواره در قبال یهودیان وجود دارد»، نام می‌برد و مدعی است این رفتارها مربوط به دوره خاصی از تاریخ نبوده، بلکه یهودیان همواره مورد آزار و اذیت غیر یهودیان هستند. گفتمان صهیونیسم با تأکید بر «همیشگی بودن یهودستیزی و در معرض خطر بودن یهودیان در هر جایی خارج از مرزهای سرزمین اسرائیل»، این پدیده را از امر تاریخی و دارای زمان و مکان مشخص به امری ایدئولوژیک تبدیل کرده است. بر این مبنا، گزارش‌های مختلفی سالانه منتشر شده و ضمن تأکید بر یهودستیزی بر افزایش و گسترش آن در جهان تأکید دارند. به عنوان نمونه، دفتر دموکراسی، حقوق بشر و کار در سال ۲۰۱۲، در گزارشی ادعا کرد: «یهودستیزی در جهان افزایش یافته و اقدامات مختلفی علیه یهودیان برای مخالفت با اقدامات اسرائیل در جهان در جریان است» (State.gov, 2013: 3.4). از این رو، گفتمان صهیونیسم با تأکید بر یهودستیزی و آزار و اذیت همیشگی یهودیان، بر تمایز یهودیان جهان با غیر یهودیان تأکید کرده و با تمرکز بر این امر که تنها راه امنیت یهودیان، مهاجرت به سرزمین اسرائیل است، از این پدیده در راستای بازتعریف هویت آنها در قالب گفتمان صهیونیسم، بهره می‌جوید. به عنوان نمونه، بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل، پس از رویدادهای پاریس در اوایل سال ۲۰۱۵، یهودیان را اولین و مهم‌ترین هدف به اصطلاح «افراط‌گرایی اسلامی» خواند و یهودیان جهان را برای دستیابی به امنیت در مقابل آنتی سمیتیسم اسلامی، به مهاجرت به اسرائیل دعوت کرد (Jpost, 38730).

جمهوری اسلامی ایران همواره یکی از «دگر»های اصلی است که گفتمان صهیونیسم از آن به عنوان نمادی برای آنتی سمیتیسم در میان یهودیان جهان استفاده می‌کند. این امر در میان یهودیان ساکن اسرائیل، وجهه‌ای سیاسی داشته و به صورت آشکار از طریق سیاسی به ویژه در خط مشی رهبران و مقامات ارشد این رژیم، به پیش برده می‌شود. در این میان، نخبگان سیاسی در اسرائیل هم‌سو با گفتمان صهیونیسم، بیش از آنکه ایران را به عنوان «دگر سیاسی در قبال اسرائیل» معرفی کنند، آن را در قالب «دگر یهودیان در چارچوب یهودستیزی» بر ساخته می‌کنند. تأکید مکرر مقامات اسرائیل بر اینکه ایران به دنبال نابودی یهودیان است و نشانه‌هایی مانند استفاده هدف ایران برای

نابودی «دولت یهود»، «یهودیان»، «کودکان یهود» و همچنین مقایسه ایران با نازی‌ها و اقدامات هیتلر در جنگ جهانی دوم به جای «اسرائیل»، حاکی از جایگاه مقوله آنتی سمیتیسم برای برساخت ایران به عنوان «دگر تمایزساز» در هویت یهودیان است.^۱ «ایران مانند نازی‌ها به دنبال نابودی شش میلیون یهودی است» (Mondoweiss, 2015: 4.3)، «مذاکرات با ایران در حالی است که این کشور به دنبال نابودی دولت یهودیان است» (Timesofisrael, 2015: 4.1)، «رهبر ایران دستور قتل یهودیان را صادر کرد» (Wnd, 2097252)، «نتانیاهو در کنگره: ایران به دنبال نابودی مردم یهود است» (Albawaba, 664154) و... از جمله اتهاماتی است که نخبگان سیاسی اسرائیل در درون مرزهای اشغالی و نیز در آمریکا و اروپا بر روی آن تأکید می‌کنند. متون صهیونیستی نیز این روایت را بدین گونه مورد تأکید قرار می‌دهند که «ایران از آنتی سمیتیسم به عنوان ابزاری برای نابودی اسرائیل، استفاده می‌کند، عناصر خشونت در آنتی سمیتیسم ایران مشهود است، ایران با احزاب نئونازی در جهان برای پیشبرد اهداف آنتی سمیتیستی همکاری دارد، آنتی سمیتیسم ایران دولتی و نهادمند است و...» (Jewishvirtuallibrary, 23342). بدین ترتیب، در این روایت آنتی سمیتیسم ایران نه تنها با یهودیان جهان، بلکه هم‌سو با گفتمان صهیونیسم با اسرائیل نیز پیوند برقرار می‌کند. در پی این پیوند سه‌گانه ایران، آنتی سمیتیسم و اسرائیل است که اقداماتی همچون انکار هولوکاست، به عنوان یکی از مهم‌ترین مسائلی که گفتمان صهیونیسم از آن به سود خود استفاده کرد، بیش از آنکه سیاست‌های نظام جمهوری اسلامی ایران علیه اسرائیل را بازتاب دهند، نتیجه‌ای نسبتاً عکس داده و به مثابه بخشی از فرایندی که گفتمان صهیونیسم در حال برساخت آن بود، نمود یافت. درشت‌نمایی و انعکاس نادرست اینکه «ایران، رویدادهای مربوط به یهودیان در جنگ جهانی دوم را به صورت کامل دروغین می‌داند» (Time, 3764085)، تمرکز رسانه‌ای گسترده مبنی بر «ایران یهودستیزی را از طریق انتشار کاریکاتورهای یهودستیزانه در جهان دنبال می‌کند»، با اشاره به نمایشگاه نقاشی تهران در مورد وال استریت (Thejc, 69827)، ارجاع به اظهارات مقامات سیاسی ایران به صورت گزینشی و ترجمه و انتشار آنها به گونه‌ای که نابودی یهودیان را به عنوان مقوله‌ای مستقل از تأسیس اسرائیل، القا کند، از جمله موارد مهمی بوده است که برای بازتولید گفتمان صهیونیسم در هویت یهودیان،

۱. بنگرید به

مورد استفاده قرار گرفته است. برساختگی ایران به عنوان «دگر تمایزساز» در فرایند هویت‌یابی یهودیان، در حالی است که انجمن ضد افترا، به عنوان یکی از سازمان‌های مهم صهیونیستی که با هدف مقابله با آنتی سمیتیسم در آمریکا فعالیت می‌کند (Adl, regions)، در گزارشی در سال ۲۰۱۴، ایران را به عنوان یکی از کشورهای «یهودستیز (آنتی سمیتیک) حداقلی» دانسته و تأکید کرد که نظرسنجی‌ها نشان داده‌اند ایران در میان کشورهای عربی، درجه پایین‌تری از یهودستیزی داشته است. انجمن ضد افترا در گزارش خود ادعا می‌کند:

«ایران روابط پیچیده‌ای با جامعه یهودیان برقرار کرده است. اگرچه ممکن است در میان یهودیان فارسی‌زبان اختلاف نظرهایی در مورد این مسئله وجود داشته باشد، اما نتیجه نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد ایران نمرات به نسبت بالا و قابل قبولی در مقایسه با دیگر کشورها در زمینه شاخص‌های یهودستیزی کسب کرده است. این اختلاف با کشورهای دیگر معنی‌دار بوده و نیازمند تأمل بیشتری است» (Lobelog, 2014: 7.13). با وجود این، در گفتمان صهیونیسم، تلاش می‌شود ضدیت سیاسی ایران با اسرائیل به مثابه یهودستیزی با یهودیان، معرفی شده و به منظور بازتولید هویت یهودیان در چارچوب گفتمان صهیونیسم، روایتی با تمرکز بر دو محور زیر برساخته شود:

- نخبگان سیاسی صهیونیست، ایران را «دگر» یهودیان و «دولت یهودی» دانسته و تمایز در هویت یهودیان را با توجه به این اصل گفتمان صهیونیسم که «آنتی سمیتیسم همواره از سوی «دشمن» و «غیر»های مختلف علیه یهودیان وجود دارد و تنها راه امنیت یهودیان حضور در اسرائیل و گسترش قدرت این رژیم است»، استمرار می‌بخشد.

- متون تولیدشده در تشکل‌های صهیونیستی و همچنین گفتار نخبگان سیاسی صهیونیست در داخل و خارج از مرزهای اسرائیل، ایران را به مثابه «دشمن» و «دگر» یهودیان و همچنین «دگر» اسرائیل به عنوان «دولت یهودیان» بازتعریف کرده و ضمن تأکید بر «تمایز یهودیان»، هم‌سو با گفتمان صهیونیسم، «افزایش آگاهی جامعه یهودیان جهان از خطر آنتی سمیتیسم ایران، محکوم کردن و مقابله با آن، به ویژه اعتراض و مبارزه با ضدیت ایران با اسرائیل» (Jewishvirtuallibrary, Antisemitism Iranian Establishment)، راه‌کار مقابله با آن معرفی می‌کنند.

د. کاربست‌های زبانی تمایزساز در برساخت واقعیت ایران

گفتمان صهیونیسم در بستر تمرکز سازمان‌ها و تشکل‌های تمایزساز همچون کمیته یهودیان آمریکا و جهت‌دهی به افکار و مواضع و نیز در قالب آنتی سمیتیسم، واقعیت ایران را به عنوان «دیگر»ی در برابر هویت یهودیان برساخته می‌کند. نکته مهم در این میان، چگونگی این برساخت است، به گونه‌ای که هویت یهود- صهیونیست در میان یهودیان بازتولید شود. برای تبیین این فرایند، شش کاربست زبان پل‌گی در قالب جدول زیر ارائه می‌شود.

<p>چگونگی برساخت واقعیت ایران در تمایزسازی سه‌گانه (الف). تشکل‌بندی، ب. جهت‌دهی، ج. آنتی سمیتیسم) کمیته یهودیان آمریکا در قبال ایران</p>	<p>شش کاربست زبانی گفتمان انتقادی الگوی پل‌گی</p>
<p>الف. تمرکز کمیته یهودیان آمریکا به عنوان سازمان مهم یهودیان در جهان بر ایران، دلالت بر نقش ایران به عنوان دگر تهدیدزا و تهدید ضد امنیتی جدی است. ب. موضع‌گیری در مقابل اقدامات و برنامه‌های ایران نشانه نیاز و ضرورت رصد ایران از سوی یهودیان برای ممانعت از تهدیدات این کشور در مقابل آنهاست. ج. سیاست‌های ایران در مقابل یهودیان نشانه دشمنی ذاتی این کشور همچون نازی‌ها نسبت به این مردم است.</p>	<p>نشانه‌سازی</p>
<p>الف. سازمان‌های صهیونیستی یکی از ابزارهای مقابله با تهدید ایران در جهان امروز هستند. ب. موضع‌گیری و مقابله با سیاست‌های ایران، تهدیدات این کشور را در دوره کنونی تحدید می‌کند و اجازه گسترش آن در مناطق مختلف را - مانند آنچه ایران در قبال یهودیان آرژانتین انجام داده است- (ادعای صهیونیست‌ها)، نمی‌دهد. ج. دشمنی ایران با یهودیان در جهان امروز در دشمنی با اسرائیل بازتاب یافته است.</p>	<p>دنیاسازی</p>

<p>الف. یهودیان برای مقابله با تهدید ایران در سازمان‌ها و تشکل‌های صهیونیستی عضو شده‌اند.</p> <p>ب. ایران برای مقابله با اسرائیل و یهودیان در حال گسترش تسلیحات هسته‌ای است که این امر واکنش سازمان‌های صهیونیستی را به دنبال داشته است.</p> <p>ج. همانگونه که نازی‌ها با تجمیع قدرت، هولوکاست را علیه یهودیان به وجود آوردند، ایران نیز به دنبال تجمیع قدرت عریان خود برای نابودی یهودیان و نمود علنی آنها یعنی اسرائیل است.</p>	<p>فعالیت‌سازی</p>
<p>الف. تشکل‌ها و سازمان‌های صهیونیستی تنها حامیان کنونی یهودیان برای اجتناب از وقوع اتفاقات تاریخی مانند هولوکاست هستند.</p> <p>ب. سازمان‌های صهیونیستی در مقابل اقدامات مبتنی بر نفرت ایران از یهودیان، هوشیار است.</p> <p>ج. گفته‌ها و تحولات درونی ایران، نفرت از یهودیان را در جهان گسترش می‌دهد.</p>	<p>هویت‌سازی</p>
<p>الف. پیوستن یهودیان به سازمان‌های صهیونیستی، دشمنانی همچون ایران را از اقدام علیه آنها باز می‌دارد.</p> <p>ب. موضع‌گیری سازمان‌های صهیونیستی علیه ایران، قدرت و جایگاه مستحکم یهودیان در جهان را تعمیق می‌بخشد.</p> <p>ج. اسرائیل نماد حیثیت و موجودیت یهودیان است و ایران به این دلیل به دنبال مقابله با آن است.</p>	<p>سیاست‌سازی</p>
<p>الف. سازمان‌های صهیونیستی به مثابه ناجی یهودیان، از اسرائیل به عنوان سرزمین موعود یهودیان، محافظت می‌کند.</p> <p>ب. سیاست‌های ایران پاکسازی نژادی یهودیان را مانند نازی‌ها دنبال می‌کند و در حال حاضر آن را از طریق گروه‌های تروریست و افراط‌گرایان در اسرائیل و جهان به پیش برد.</p> <p>ج. ایران برای نابودی دولت یهودیان، تصویر تاریخی که دشمنان یهود به ویژه در جنگ جهانی دوم ساخته بودند را باسازی می‌کند.</p>	<p>ارتباط‌سازی</p>

بدین ترتیب، کمیته یهودیان آمریکا در بستر تشکل‌بندی، جهت‌دهی و آنتی سمیتیسم، واقعیت ایران را به مثابه «دگر» تمایزساز همانگونه که در جدول فوق، مشخص شده است، از طریق شش کاربست زبانی برساخته می‌کند. در کاربست نشانه‌شناسی، ایران بر یک تهدید جدی علیه یهودیان دلالت دارد که رصد سیاست‌ها و برنامه‌های آن را ناگزیر کرده است. تهدید و لزوم رصد اقدامات ایران نشانه هم‌سانی ایران با حکومت نازی‌ها بوده که مقابله با آن را از سوی یهودیان ضروری می‌نماید. در بخش دنیاسازی معانی برساخته‌شده، میان سازمان‌های صهیونیستی به عنوان تنها حافظ و حامی یهودیان و اسرائیل به عنوان نمود بارز موجودیت یهود ارتباط برقرار می‌کند و رویدادهایی مانند ترور یهودیان در آرژانتین و دیگر مکان‌ها را به این دو مرتبط می‌کند. از این رو، مبارزه با اسرائیل به مثابه آسیب به یهودیان در رویدادهایی همچون آرژانتین بوده و فعالیت‌های سازمان‌های صهیونیستی را به عنوان تنها نماینده یهودیان مشروعیت می‌بخشد. در فعالیت‌سازی، این معانی که یهودیان برای حفظ امنیت خود باید در سازمان‌ها و تشکل‌های صهیونیستی عضو شده و همگام با آنها در مقابل ایران اعلام موضع کنند، مورد تأکید قرار گرفته است. ضمن اینکه ایران را در حال دستیابی به ابزار تهدیدساز و کشنده همچون بمب‌های هسته‌ای نشان می‌دهد. بازسازی هویت نازی‌ها و اتفاقات تلخ یهودیان در جنگ جهانی دوم و شناسایی ایران به عنوان هویت مشترک با نازی‌ها که به دنبال هولوکاست دیگری علیه یهودیان است، در بخش هویت‌سازی قابل رؤیت است. نکته مهم در این برساخت معانی، تجلی هولوکاست یهودیان در موجودیت اسرائیل است. کمیته یهودیان آمریکا کالاهایی مانند امنیت، حیثیت و قدرت بازدارنده را به عنوان دستاوردهای یهودیان در عضویت سازمان‌های صهیونیستی و حمایت از اسرائیل، در اختیار یهودیان قرار می‌دهد. تفسیر سازمان‌ها و تشکل‌هایی مانند کمیته یهودیان به مثابه ناجیان و پیامبران سرزمین موعود و حفاظت از یهودیان که دشمنانشان مانند جنگ جهانی دوم به دنبال پاکسازی نژادی آنها هستند، معانی برساخته در کاربست ارتباط‌سازی کمیته یهودیان آمریکا بوده است. بدین ترتیب، شاخص‌های اساسی این برساخت عبارتند از:

- یهودیان مانند همه ادوار گذشته در دوره حال نیز در معرض تهدیدات دشمنانی هستند که پاکسازی نژادی آنها را دنبال می‌کنند. بر این مبنای، در دوره کنونی ایران مهم‌ترین دشمن یهودیان است (بنگرید به Ajc, 14553361).

- ایران برای نابودی یهودیان به دنبال نابودی اسرائیل است، زیرا آن را نمود بارز موجودیت یهودیان در جهان می‌داند. از این رو، یهودیان باید در مقابل هر گونه مقابله و رویکرد خصمانه در قبال اسرائیل به ویژه از سوی ایران واکنش نشان دهند (بنگرید به (Ajc, 8451811).

- سازمان‌های صهیونیستی به عنوان تنها حامیان واقعی یهودیان در جهان امروز، از یهودیان در مقابل اقدامات ایران حفاظت می‌کنند. بنابراین، یهودیان برای حفظ امنیت خود باید در قالب این سازمان‌ها تشکل یافته و فعالیت داشته باشند (بنگرید به (Ajc, 9196379).

- فعالیت‌های ایران در زمینه فعالیت‌های هسته‌ای برای دستیابی به بمب اتمی بوده و هولوکاست دیگری را رقم خواهد زد (بنگرید به (Ajc. 145863339).

با توجه به عوامل فوق، یکسانی موجودیت اسرائیل و هویت یهودیان و لزوم حفظ امنیت یهودیان در قالب هویت یهود- صهیونیست در مقابل ایران به مثابه «دگر» تهدیدزا، کانون تمایزسازی گفتمان صهیونیسم در مقابل ایران بوده است که چگونگی برساخت آن در کمیته یهودیان آمریکا نشان داده شد.

نتیجه گیری

یکی از موضوعاتی که در چند سال اخیر در مورد اسرائیل، مورد تأکید قرار گرفته، روند «دگرسازی» در این ساختار سیاسی است. این مقوله اگرچه مورد تأکید بسیاری از تحلیل‌های ژورنالیستی و اظهارات نخبگان سیاسی قرار داشته، اما دامنه تحقیقات و پژوهش‌های علمی که بتواند روند و چگونگی پیشبرد آن در جامعه اسرائیلی و نیز خارج از آن را تبیین نماید و زمینه‌های تئوریک و نظری این مقوله را رمزگشایی کند، اندک و محدود بوده است. این در حالی است که بازگشایی یکی از مهم‌ترین مقوله‌هایی که اسرائیل در تلاش برای پیشبرد آن است، نه تنها شناخت جامع مواضع اسرائیل را به دنبال خواهد داشت، بلکه به پیش‌بینی رفتار این بازیگر سیاسی مهم در عرصه روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز کمک شایانی خواهد نمود. بر اساس اهمیت این مقوله مهم، مقاله حاضر تلاش کرد این امر را نه در اسرائیل بلکه در گفتمان صهیونیسم به گونه‌ای تبارشناسی نموده و تطورات این اصل مهم در گفتمان صهیونیسم را در جامعه کنونی یهودیان بررسی نماید. به این منظور، با توجه به تحقیقات و

پژوهش‌های پیشین نگارندگان، روند دگرسازی، بخش مهمی از فرایند هویت‌یابی یهودیان است که از آغاز شکل‌گیری صهیونیسم و در مراحل مختلف تثبیت این گفتمان ایدئولوژیک، همواره وجود داشته است. اگرچه بسترهای زمانی و مکانی و اهداف مورد نظر گفتمان صهیونیسم در مراحل مختلف سیر تاریخی این گفتمان، از شیوه‌ها و راههای منحصر به فرد متفاوتی برای دستیابی به این منظور، بهره جستند. بر این اساس، مقاله حاضر تلاش کرد تا به صورت مشخص رابطه پیچیده و متقابلی که میان هویت و «دگر»سازی در گفتمان صهیونیسم، برقرار بود را از طریق این سؤال پاسخ دهد که گفتمان صهیونیسم چگونه هویت یهودیان را در قالب اهداف مورد نظر خود بازتولید می‌کند؟ مقاله حاضر با توجه به بررسی تطبیقی روند هویت‌یابی در میان یهودیان پیش از شکل‌گیری و تثبیت گفتمان صهیونیسم و پس از این مرحله، نشان داد که گفتمان صهیونیسم از دگرسازی در قبال «غیر»های مختلف، همواره تلاش کرده مقوله «تمایز» را در میان یهودیان هم‌سو با اصل کانونی گفتمان صهیونیسم، یعنی «ملت متمایز یهود»، بر ساخته کند. برای این منظور، نحله‌های صهیونیسم سوسیالیستی و ملی‌گرایی صهیونیستی، به عنوان دو نحله مهم گفتمان صهیونیسم - که نقش مهمی در مهاجرت یهودیان به فلسطین به عنوان مهم‌ترین مسئله مهم این گفتمان در مراحل آغازین داشتند-، هویت یهودیان را بر اساس تمایزات زیر بر ساخته کردند:

- تمایز یهودیان در مقابل طبقه بورژوازی غیر یهود، طبقه کارگری غیر یهود و بالاخره، طبقه کارگر عرب و بورژوازی عرب.

- تمایز یهودیان به واسطه زبان عبری، آداب و رسوم و دین مشترک در مقابل همه غیر یهودیان در دیاسپورا که به تدریج در مقابل عرب‌ها در فلسطین نمود پیدا کرد.

بدین وسیله، مقاله حاضر نشان داد گفتمان صهیونیسم برای بازنمایی اصول خود، ناگزیر است هویت یهودیان را بر اساس تمایز با «دیگر»ان، همواره بر ساخته و بازتولید کند. این امر در مرحله کنونی از طریق جذب یهودیان در تشکلهای تمایزساز و موضع‌گیری از جانب یهودیان در مقابل «دگر»های هویتی که گفتمان صهیونیسم بر ساخته کرده و همچنین، تأکید بر آنتی‌سمیتیسم به عنوان یکی از بسترهای اصلی تمایزسازی دنبال می‌شود. تشکلهای تمایزساز همچون سازمان‌های صهیونیستی که در تمام جهان از جمله آمریکا و اروپا مشغول به فعالیت

هستند، با برنامه‌های مختلف و نفوذ به درون جوامع یهودیان، این اصل گفتمان صهیونیسم که «مردم یهود، ملت متمایز و مجزا از «دگر»ان هستند» را مورد تأکید قرار می‌دهند. همچنین، در گفتمان صهیونیسم با تأکید بر «همیشگی بودن یهودستیزی و در معرض خطر بودن یهودیان در هر جایی خارج از مرزهای سرزمین اسرائیل»، آنتی سمیتیسم از امر تاریخی و دارای زمان و مکان مشخص به امری ایدئولوژیک تبدیل شده و از این طریق، پدیده تمایز یهودیان با سایرین در هویت یهودیان، برساخته می‌شود.

بنابراین، هویت‌یابی یهودیان بر اساس تمایز مورد نظر گفتمان صهیونیسم، فرایندی است که این گفتمان همواره در مقابل «دگر»های مختلف مانند عرب‌ها، اسلام و نیز کشورهای مخالف به ویژه جمهوری اسلامی ایران به پیش می‌برد. برای تبیین جامع‌تر این شیوه‌ها در مقاله حاضر، رویکرد گفتمان صهیونیسم در قبال ایران به عنوان نمونه موردی، بررسی و به چگونگی برساخت و بازتولید واقعیت ایران به عنوان دگر سیاسی، امنیتی و دینی و چگونگی بازتولید آن در هویت یهودیان پرداخته شد. بر این اساس، نشان داده شد که واقعیت ایران به وسیله شکل‌های تمایزساز صهیونیستی و نیز نسبت‌دادن آنتی سمیتیسم به گونه‌ای که «امنیت یهودیان را به واسطه یهودی‌بودن آنها در معرض مخاطره قرار داده»، برساخته می‌شود.

منابع

- حسینی فر، آیدا (۱۳۹۲) **تحلیل انتقادی گفتمان سینمای کمدی ایران بعد از انقلاب اسلامی**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.
- شیردل، پروین (۱۳۹۱) **پساصهیونیسیم از ظهور تا عمل**، تهران: مؤسسه اندیشه‌سازان نور.
- صاعی، مرتضی (پاییز ۱۳۸۹) «بسترهای شکل‌گیری صهیونیسیم»، **فصلنامه معرفت ادیان**، سال اول، شماره چهارم.
- فاضلی، محمد (پاییز ۱۳۸۳) «گفتمان و گفتمان‌کاوی انتقادی»، **پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی**، دانشگاه مازندران، سال چهارم، شماره ۱۴
- کامروا، مهران (۱۳۹۰) **خاورمیانه معاصر**، ترجمه محمد باقر قالیباف و سید موسی پورموسوی، تهران: قومس.
- گارودی، روزه (۱۳۷۵) **تاریخ یک ارتداد**، اسطوره‌های بنیانگذار سیاست اسرائیل، ترجمه مجید شریف، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- لوکس، استیون (۱۳۷۵) **قدرت، نگرشی رادیکال**، ترجمه عماد افروغ، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- ون دایک، ای. تئون (۱۳۸۲) **مطالعاتی در تحلیل گفتمان: از دستور متن تا گفتمان‌کاوی انتقادی**، ترجمه پیروز ایزدی و دیگران، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- یارمحمدی، لطف الله (۱۳۸۳) **گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی**، تهران: هرمس.

- G. tabarani, Gabriel (2008) **Israeli-Palestinian Conflict: From Balfour Promise to Bush Declaration**, America: Author house
- Gee, James Paul (1999) **An Introduction to Discourse Analysis: Theory and Method**, Taylor & Francis, 2014.
- Gmirkin, Russell E (2006) **Berosus and Genesis, Manetho and Exodus: Hellenistic Histories and the Date of the Pentateuch**, T & T Clark, Edinburgh.
- Haam, Ahad (1898) **The Wrong Way, This is not the Way**, translated by Leon Simon, http://www.zionismontheweb.org/ehad_haam1.htm
- Karsh, Efraim (2004) **Israel in the international Arena**, Great Britain: Antony Rowe ltd, chippenham, wilts.
- Pianko, Noam (2010) **Zionism and the Roads Not Taken: Rawidowicz**, Kaplan, Kohn, Publisher: Indiana University Press
- Mosk, Carl (2013) **Nationalism and economic development in modern Eurasia**, New York: Rutledge.
- Spiegel, Shalom (1939) **Hebrew Reborn**,

http://download356.yempvx.com/pdf/hebrew-reborn-by-shalom-spiegel_14cp9i.pdf
Tamir, Hela Crown (2012) **Israel, History in a Nutshell**, Israel: Tsur Tsina, Jerusalem
Weinberg, Sonja (2010) **Pogroms and Riots: German Press Responses to Anti-Jewish Violence in Germany and Russia (1881–1882)**, Frankfurt am Main: Peter Lang
Weissbrod, Lilly (2002) **Israeli identity: in search of a successor to the pioneer**, Tsabar and settler, America: Frank Cass Publisher

About Ajc, in:

http://www.ajc.org/site/c.7oJILSPwFfJSG/b.9196379/k.E030/About_AJC.htm

Adl Survey Shows Iran Least Anti-Semitic Middle East Country,

<http://www.lobelog.com/adl-survey-shows-iran-least-anti-semitic-middle-east-country>

Ahad Ha'am (1856 – 1927), in:

https://www.knesset.gov.il/lexicon/eng/echad_haam_eng.htm

Ahad Ha'am: Difference between revisions,

http://www.dailyweeke.com/keywords/index.php?title=Ahad_Ha%27am&diff=prev&oldid=212781005

Ahad Ha'am's biography, in:

https://www.knesset.gov.il/lexicon/eng/echad_haam_eng.htm

Ayatollah: Kill all jews, Annihilate Israel, in:

<http://www.wnd.com/2012/02/ayatollah-kill-all-jews-annihilate-israel>

Biography - Ber Borochov - Zionism & Israel, in:

http://www.zionism-israel.com/bio/ber_borochov_biography.htm

Deadly Islamist Fanaticism, in:

<http://www.ajc.org/site/apps/nlnet/content3.aspx?c=7oJILSPwFfJSG&b=8451709&ct=14525215¬oc=1>

Encyclopedia of Race And Racism: Macmillan Reference USA; 1 edition (November 12, 2007), in:

<http://web.ccsu.edu/library/Bernstein/Zionism.pdf>

End Repression of Religious Freedom in Iran, in:

<http://www.ajc.org/site/apps/nlnet/content3.aspx?c=7oJILSPwFfJSG&b=8451811&ct=243¬oc=1#sthash.xWFGz09M.dpuf>

European Jewish Parliament off to a semi-comedic start, in:

<http://www.jweekly.com/article/full/63331/european-jewish-parliament-off-to-a-semi-comedic-start>

European Jewish Union about, in:

https://www.facebook.com/europeanjewishunion/info?tab=page_info

Holocaust Remembrance Day, in:

<http://ajcradio.podbean.com/2013/5/30>

Early Zionism: Ahad Haam Pinesker Herzl, in:

<http://cambridgeforecast.org/blog%2F%2F%2F/early-zionism-ahad-haam-pinsker-herzl>

If Not Us, Who? David Harris in Times of Israel and Huffington Post, in:

<http://www.ajc.org/site/apps/nlnet/content3.aspx?c=7oJILSPwFfJSG&b=8451809&ct=14196243¬oc=1#sthash.xWFGz09M.dpuf>

Imagine Iran With a Bomb, in:

<http://www.ajc.org/site/apps/nlnet/content3.aspx?c=7oJILSPwFfJSG&b=8451805&ct=12484809>

International Religious Freedom Report for 2013, in:

<http://www.state.gov/j/drl/rls/irf/religiousfreedom/index.htm#wrapper>

Iran gives antisemitic cartoon top priz, in:

http://www.thejc.com/news/world-news/69827/iran-gives-antisemitic-cartoon-top-prize?utm_source=twitterfeed&utm_medium=twitter

Iran's Anti-Semitism Can't Be reasoned with, in:

<http://time.com/3764085/iran-deal-anti-semitism-israel-passover-purim-auschwitz-hiroshima/>

Iran's Nuclear Ambitions, in:

http://www.ajc.org/site/c.7oJILSPwFfJSG/b.8467017/k.9969/Iran_Threat.htm

Iran's View of Israel, in:

<http://www.ajc.org/site/apps/nlnet/content3.aspx?c=7oJILSPwFfJSG&b=8451811&ct=13254525>

Netanyahu to Congress: Iran set 'to destroy the Jewish people, in:

<http://www.albawaba.com/news/netanyahu-congress-iran-set-destroy-jewish-people-664154>

Netanyahu voices outrage that nuclear talks go on while Iran vows to destroy Israel in:

<http://www.timesofisrael.com/netanyahu-laments-unconscionable-deal-with-murderous-iran>

Orthodoxy, in:

http://www.yivoencyclopedia.org/article.aspx/Orthodoxy_2011-07-22

The Antesemitism Of The Iranian Establishment –In View Of The Statement Made By Iran's Vice President, in:

<https://www.jewishvirtuallibrary.org/jsource/anti-semitism/Antisemitism%20of%20the%20Iranian%20Establishment.pdf>

Where We Work, in:

http://www.ajc.org/site/c.7oJILSPwFfJSG/b.8466973/k.9B45/Where_We_Work.htm

Zionismontheweb, A History of Zionism, in:

http://www.zionismontheweb.org/zionism_history.htm